

هدف؛ قربانی کردن توده‌های هاست

محکم‌ترین وزیر بر عجز ما سران اجرائی رژیم در تدارک تهبیه "مدارک" و سند" علیه توده‌های خاصه گذاشت

گسترش بحران در حاکمیت و شدت محرومیت و نارضایتی در جامعه اثرات زیان‌بار خود را به بار می‌آورند. سیاست‌گذاران حکومتی برای مهارسازی و سایه افکندن بر تمامی ناپسمانی‌ها و تشنجات اجتماعی، اجرای توطئه فاجعه‌بار جدیدی را تدارک می‌بینند. در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در این باره آمده است: "ارکان‌های قضایی سرگرم تهیه مقدمات محاکمه جمعی صدها نفر از اعضای حزب توده ایران اند و در صددند برای ایجاد ترس و وحشت در جامعه و وادار کردن مردم ناراضی به سکوت عده زیادی از توده‌های دریند را به جوخه‌های اعدام بپسرنند". سردمداران جمهوری اسلامی که در اجرای رهنمودهای امپریالیسم لحظه‌ای درنگ را نیز جایز نمی‌شمرند، بی تدارک و جعل و تهبیه "مدارک و سند" و تنها به دلگرمی اتهامات سیا پاخته و ساواک پرداخته "جاسوسی" و "خیانت"، یورش یهیبی به حزب توده ایران را آغاز کردند و شمار بسیاری بقیه در صفحه ۱۵

گسترش بحران در حاکمیت و شدت محرومیت و نارضایتی در جامعه اثرات زیان‌بار خود را به بار می‌آورند. سیاست‌گذاران حکومتی برای مهارسازی و سایه افکندن بر تمامی ناپسمانی‌ها و تشنجات اجتماعی، اجرای توطئه فاجعه‌بار جدیدی را تدارک می‌بینند. در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در این باره آمده است: "ارکان‌های قضایی سرگرم تهیه مقدمات محاکمه جمعی صدها نفر از اعضای حزب توده ایران اند و در صددند برای ایجاد ترس و وحشت در جامعه و وادار کردن مردم ناراضی به سکوت عده زیادی از توده‌های دریند را به جوخه‌های اعدام بپسرنند". سردمداران جمهوری اسلامی که در اجرای رهنمودهای امپریالیسم لحظه‌ای درنگ را نیز جایز نمی‌شمرند، بی تدارک و جعل و تهبیه "مدارک و سند" و تنها به دلگرمی اتهامات سیا پاخته و ساواک پرداخته "جاسوسی" و "خیانت"، یورش یهیبی به حزب توده ایران را آغاز کردند و شمار بسیاری بقیه در صفحه ۱۵

راه توده

شهره‌ها از حزب توده ایران در طرح از کشور

دوشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۶۳ مطابق
۱۹۸۴
سال دوم، شماره ۹۴
پهنا: ۴۰ رسال

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره توطئه علیه مسئولین و اعضای سازمان در زندان

صفحه ۷

تفسیری از روزنامه ایزوستیا:

وضع بحرانی در خلیج فارس

وزیران امور خارجه کشورهای صادرکننده نفت از منطقه: عربستان سعودی، امارت متحده عربی، بحرین، کویت، قطر و عمان... بتوانست به موضع مشترک دست یابد. زیرا شرکت کنندگان در ارزیابی علل این حوادث وحدت نظرنداشتند. وزارت امور خارجه ایران روز هفدهم ماه اعلام کرد هرگونه ناامنی برای کشتی‌های ایرانی در

در روزهای اخیر وخامت اوضاع در خلیج فارس تحت شرایط ادامه جنگ میان ایران و عراق شدت یافته است. نفت‌کش‌های عربستان سعودی و کویت از هوا مورد حمله قرار گرفتند. یک نفت‌کش با پرچم پاناما غرق شد و سرانجام آشکار نشد. هواپیماهای مهاجم به کدام کشور تعلق داشتند. نیروی هوایی عربستان سعودی، به حالت آماده باش کامل درآمده است. جلسه فوق العاده

کارنامه بی افتخار و ضد مردمی ثمره فعالیت مجلس اول

صفحه ۱۰

اعتصاب غذا در ایتالیا علیه شکنجه و اختناق در ایران

صفحه ۲

کشورهای اروپائی، صحنه عریده‌کشی‌های قداره‌بندان "انجمن اسلامی"

صفحه ۵

تثبیت قدرت ارتجاع در مقابله با رأی مخالف مردم

رأی مغفای مردم به سیاست‌های ارتجاعی حاکمیت جمهوری در انتخابات اخیر، چنانکه پیش‌بینی می‌شد، بحران حاکمیت را عمیق‌تر و گسترده‌تر کرده است. ارتجاع حاکم که علی‌رغم تشبثات گوناگون نتوانست از انعکاس نظر توده‌ها علیه خویش جلوگیری کند، برای تحکیم اقتدار پیش از پیش متزلزل خود به تهاجم مقابل علیه مردم و دسآورد‌های انقلاب دست زده است.

نخستین واکنش ارتجاع در برابر رأی مخالف مردم، تدارک تقلبات گسترده‌تر برای اعمال نفوذ در دور دوم انتخابات و ابطال انتخابات در پاره‌ای از شهرها که در آنها نمایندگان مورد پسند حزب جمهوری اسلامی و با زاز و مدرسین سنجتیه‌گرای حوزه‌های علمیه به مجلس راه نیافته‌اند، بود. در این میان ابطال انتخابات اصفهان با مخالفت شدید مردم مواجه شد، تا آنجا که توده‌های خشمگین آشکارا فریاد "مرگ بر شورای نگهبان" سردادند.

علی‌رغم این اعتراضات، شورای نگهبان توانست به ابتکار گروهی از نمایندگان شکست خورده و بی‌اعتبار مجلس که در فاصله دور نخست و دوم انتخابات، اصلاحیه‌ای بر قانون اجرائی انتخابات را با دو فوریت به تصویب رساندند، اختیارات اجرائی خود را در برگزاری انتخابات افزایش دهد. بنا بر این اصلاحیه، از این پس ترکیب میات اجرائیه انتخابات در حوزه‌های مختلف با نظر شورای نگهبان تعیین خواهد شد و امکان اعمال نفوذ مستقیم ارتجاع در "انتصاب" نمایندگان افزایش خواهد یافت.

از سوی دیگر دامنه گسترده اعتراض مردم، رهبری جمهوری اسلامی را بار دیگر به حمایت بقیه در صفحه ۲

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

تثبیت قدرت ارتجاع در مقابله با رأی مخالف مردم

بقیه از صفحه ۱

آشکار از شورای نگهبان سرمایه داران و مالکان بزرگ واداشت:

"افرادی که نظریه شورای نگهبان در تأیید یا ابطال بعضی حوزه هاموافق میلشان نبوده است، دست به شایعه افکنی زده و اعضای محترم شورای نگهبان را... تضعیف و یا خدای ناکرده ترهین می نمایند... من به این آقایان هشدار می دهم... باید بگویم که حضرات آقایان فقهای شورای نگهبان را با آشنایی و شناخت تعیین کردم و احترام به آنها، به مقامشان را لازم می دانم... به شورای نگهبان تذکر می دهم که در کار خود استوار باشند" (چراید-۲۶ اردیبهشت ۶۲).

این پیام اگرچه حاوی نکته تازه ای نیست، اما اعلام آن در شرایط ویژه کنونی، به معنای تشویق مقابله آشکار با نظر و اراده توده هاست. بیهوده نیست که آیت الله خزعلی، فقیه شورای نگهبان و یکی از رهبران معروف انجمن حجتیه در لیبیک به این پیام اعلام می دارد:

"اگر همه ایران هم جو مخالف ما باشد، شورای نگهبان وظیفه خود را با قاطعیت انجام خواهد

داد. (کبهان-۲۹ اردیبهشت ۶۲)

رییس جمهور و دبیرکل حزب جمهوری اسلامی نیز که حزیش با رأی عدم اعتماد مردم مواجه شده است، در استقبال از این پیام، خصوصیت خویش به نظر مردم را با صراحتی روشن تر از گذشته بیان کرده است:

"اندیشه اسلامی بایستی به وسیله دین شناسان واقعی در میان مردم ترویج شود. مردم و نظام الهی شان به روحانیت راستین و فقهای حقیقی اسلام نیازمندند و این موردی است که همیشه امام امت پی گیری کرده اند و شما موضع امام را در مقابل فقهای شورای نگهبان دیدید" (خامنه ای- سخنرانی در قم- اطلاعات-۲۹ اردیبهشت ۶۲).

تقویت مواضع شورای نگهبان و افزایش اختیارات آن، بلافاصله به یورش جدید به یکی دیگر از دستاوردهای انقلاب انجامید. شورای نگهبان بار دیگر لایحه ملی کردن تجارت خارجی را که در مجلس اول با عقب نشینی هایی در راستای تأمین مطامع چپاولگران تجارت بزرگ به تصویب دوباره رسیده بود، رد کرد. بیش از این شورای نگهبان، برخلاف قانون اساسی خواستار آن

بود، قانون به شکلی "اصلاح" شود که تجار بزرگ نیز اجازه داشته باشند به واردات و صادرات برخی از کالاها بپردازند. پس از تأمین این خواست، شورای نگهبان که خود را بسیار قدرتمندتر از گذشته می بیند، اینک با وقاحتی بی سابقه از مواضع پیشین خویش نیز گام بزرگی پیشتر آمده و خواستار آنست قانون به شکلی نوشته شود که تجار بزرگ بتوانند در کنار دولت هرگونه کالایی را وارد یا صادر کنند. به این ترتیب آنان یکی دیگر از مهم ترین مواد قانون اساسی را باطل و خلاف شرع اعلام کرده اند. در این باره رییس کمیسیون ویژه بررسی لایحه در مجلس اول گفته است:

"ما از اول که با این لایحه برخورد کردیم، به عنوان یک چیزی که در قانون اساسی مسلم بوده و خلاف شرع هم نبوده و کمیسیون و مجلس هم بر این اساس که عمل تجارت خارجی در اختیار دولت باشد به صلاح کشور است... لایحه را تصویب کرده بودیم که غیر شرعی نیست و خلاف قانون اساسی نیست" اما اینک این طور تلقی می شود که انحصار دولتی تجارت خارجی در "هریک از اقلام کالاها" خلاف شرع است. (موسوی خونیانی ها-)

(۶۳ خرداد)

با وجود این مجلس اول، با پذیرش خواست های اساسی شورای نگهبان لایحه را برای بار سوم به تصویب رساند.

در چنین شرایطی آیت الله خمینی در پیام افتتاحیه خود به مجلس دوم، تبعیت اکیدتر نمایندگان را از شورای نگهبان خواستار شده است:

"کسی گمان نکند که به نفع محرومین و خدمت به آنان اگر (کاری) به طور غیرمشروع هم باشند مانع ندارد که این یک انحراف و خیانت به اسلام و جمهوری اسلامی، بلکه به محرومین است که از مال حرام و نهب و با ظلم به دیگران آنان را مبتلا به آتش جهنم کند..."

"نماینده گام محترم کوشش نمایند که امر مخالف با شرع و قانون اساسی به تصویب نرسد که علاوه بر آن که رأی بر ضد قوانین الهی دادن خود گناه است، بی شک شورای محترم نگهبان آن را رد می کند و موجب عقب افتادن کارها می شود" (اطلاعات-۸ خرداد ۶۲).

این پیام در عین حال حاوی اخطارها و محدودیت های عملی برای نمایندگان است که در نطق های پیش از دستور در مجلس به افشاکاری و ابراز مخالفت با نیاست های ارتجاعی حاکم می پردازند. تصمیماتی که متعاقب این پیام اتخاذ شده است، مصونیت سیاسی نمایندگان مجلس را آشکارا نفی کرده است. نمایندگان مجلس از این پس برای ایراد نطق پیش از دستور ملزم به رعایت آیین نامه ویژه ای خواهند بود و در صورت تخلف در دادگاه های مخصوص محاکمه و تعزیر خواهند شد!

این تحولات در ساختار قدرت در حاکمیت جمهوری اسلامی - تقویت مواضع و افزایش اختیارات شورای نگهبان سرمایه داران و ملاکین بزرگ و ارباب و الزام بیش از پیش نمایندگان مجلس به تبعیت از اراده آنان - بیانگر آنست که نیروهایی که لبه تیز رأی منفی مردم را متوجه خود دیده اند، راه چاره را در جلوگیری از هرگونه بازتاب و تأثیر نظر مردم در تصمیم گیری های مهم حاکمیت می بینند. گستاخی شورای نگهبان در یورش به دست آوردهای انقلاب و تأمین مطامع تجار بزرگ، در بحبوحه رأی عدم اعتماد مردم به "معتدین بازار" نشانه سرسختی ارتجاع حاکم در پی گیری راه ناپودی کامل انقلاب است.

۶ سال از خاموشی رفیق عزیز یوسفی گذشت

۱۵ خرداد، ۶ سال از خاموشی رفیق عزیز یوسفی گذشت.

مرگ این توده ای قهرمان که ۱۸ سال از عمر گران بهای خود را در شکنجه گاه ها، زندان ها و تبعید گذراند و ۱۸ سال استوار و دلور، با وفاداری به آرمان های حزب خود و زحمتکشان رزمید، همه توده ای ها، خلق کرد و دوستداران آرمان های مردمی را متأثر ساخت.

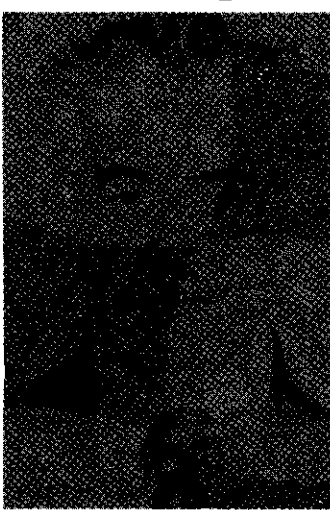
شرایط دشواری که زندانبانان به رفیق یوسفی تحمیل کردند او را به بیماری های قلبی و ریوی دچار ساخت. بی اعتنائی عمدی دژخیمان، این بیماری را در او ریشه دارتر کرد تا سرانجام رفیق عزیز یوسفی پس از ۱۴ ماه آزادی از زندان چشم از جهانی که با تمام وجود به آن عشق می ورزید فرو بست.

رفیق عزیز یوسفی که در زندان های

پوسیدند. هزاران نفر از ما به میدان مبارزه پشت کردند. هزاران نفر در نیمه راه ماندند. اما هنوز هزاران نفریم. حزبی با این همه شهید و تاریخ و ماجرا، با این همه سخت جانی و نیروی حیات و مقاومت نمی تواند پیروز شود. اگر همه جهان دروغ باشد، این حقیقت دروغ و افسانه نیست."

دژخیمان شاه مخلوع حتی از برگزاری مجلس ختم این توده ای قهرمان جلوگیری کردند. اما خلق کرد که رفیق عزیز یوسفی با افتخار به آن تعلق داشت، مراسم تشییع جنازه او را به تظاهرات وسیعی بدل کرد.

تا بنک باد خاطره رفیق عزیز یوسفی، قهرمان توده ای، رفیقی که به صف بی پایان شهدای حزب توده ایران پیوست.



شاه خائن مظهر وفاداری به آرمان های حزب خود بود همیشه می گفت: "هزاران نفر بودیم، هزاران نفر از ما شهید شدند یا در زندان ها

اعتصاب غذا در ایتالیا علیه شکنجه و اختناق در ایران

"کمیته هم‌آهنگی دانشجویان دمکرات ایران"، "جبهه میهنی دمکرات عراق" و "کمیته صلح" بخشی از شهر رم، به منظور افشای موج خفقان، شکنجه و اعدام آزادی‌خواهان در ایران و عراق، اعتراض به جنگ فرسایشی میان دو کشور و کشتار خلق کرد، برنامه‌ای تحت عنوان هفته صلح ترتیب دادند. اولین شب هفته مذکور که از بیست و دوم ماه مه (اول خرداد) آغاز شد، با برگزاری نشستی پیرامون مسائل دو کشور و با حضور روزنامه‌نگاران و نمایندگان سازمان‌های مترقی عراقی و ایرانی شروع شد. از جمله شرکت‌کنندگان در این جلسه، نمایندگان سازمان حزب توده ایران، سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، عراق و تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در ایتالیا بودند. در این نشست خبرنگاران پرتیراژترین روزنامه‌های ایتالیا، از جمله "اونیتا"، "مانیفست"، "ماسجرو" و آژانس خبری آنزا نیز حضور داشتند.

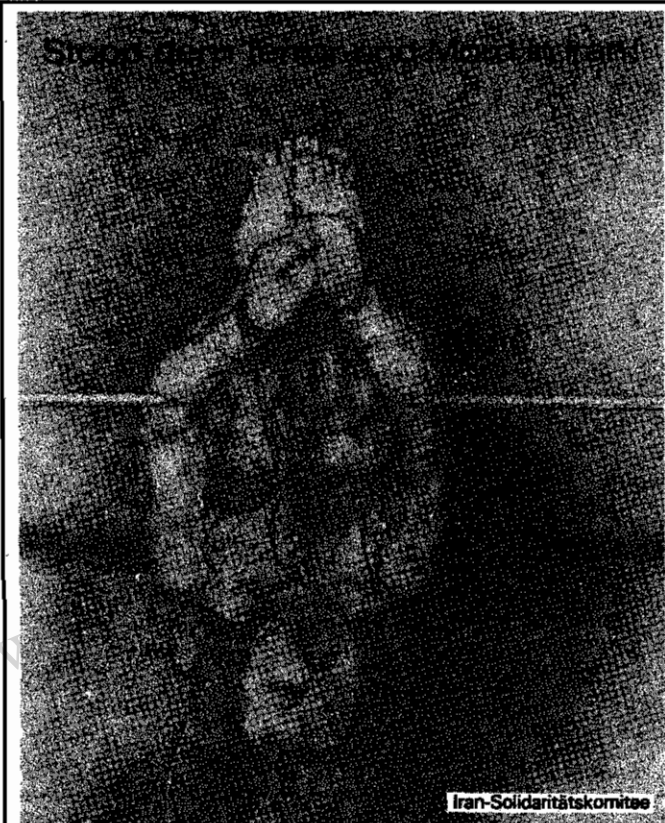
"کمیته هم‌آهنگی دانشجویان دمکرات ایران" از روز بیست و دوم ماه مه، با مطرح کردن خواست‌های قطع پیکر، بازداشت، شکنجه و کشتار میهن‌دوستان ایران، تأمین اجازه روادید به هیأتی مرکب از پزشکان، حقوق‌دانان و روزنامه‌نگاران جهت عزیمت به ایران و بازدید وضع زندانیان از نزدیک و حضور در محاکمات فرمایشی رژیم، آزادی کلیه زندانیان سیاسی، پایان جنگ ایران و عراق، قطع کشتار خلق کرد، قطع کمک‌های نظامی دولت ایتالیا به طرفین درگیر جنگ، رسیدگی به وضع مهاجرین سیاسی ایران در ایتالیا، دست به اعتصاب غذا زد. روزهای ۲۲ و ۲۴ ماه مه (۲ و ۳ خرداد)، گروه "نقاشان صلح‌دوست" که عده‌ای از نقاشان معروف و مترقی رم را در برمی‌گیرد، جهت پشتیبانی از اعتصاب‌کنندگان و خواست‌های آنان، جنبش نمایشگاه عکسی که پیرامون اوضاع ایران و عراق ترتیب داده شده بود به نقاشی پرداختند و روز بعد دانش‌آموزان یکی از مدارس رم به اجرای برنامه‌های هنری و سرودهای صلح دست زدند.

روز بیست و ششم (پنجم خرداد) به بحث در باره وضعیت مهاجرین سیاسی، به ویژه مهاجران سیاسی ایرانی و عراقی در ایتالیا اختصاص یافت.

در این جلسه، رییس انجمن حقوق و آزادی خلق‌ها در ایتالیا، نماینده دفتر پناهندگان سازمان ملل متحد، مسئول بهداشت و امنیت اجتماعی شهر رم و نماینده سندیکای کارگران

خواست‌های به حق سازمان‌های ایرانی و عراقی اعلام کردند و ضمن دیدار مجدد با اعتصابیون، از آنان خواستند به اعتصاب خود پایان بخشند.

در تمام طول اعتصاب هیأت‌های نمایندگی سازمان‌های مترقی و شخصیت‌های سیاسی، ادبی و هنری ایتالیا با اعتصابیون ملاقات و ضمن تأیید خواست‌های مطرح شده از



"کمیته همبستگی با ایران" که امر دفاع از زندانیان سیاسی ایران را از وظایف مبرم خود قرار داده، طرح فوق را با عنوان "ترور و اعدام رادر ایران متوقف کنید" به همراه یک کارت جمع‌آوری امضای اعتراضی منتشر ساخته است.

مهاجر ایتالیایی نیز حضور داشتند و یکی از مهاجران و نماینده دانشجویان ایرانی در رابطه با دلایل مهاجرت از ایران، جوخفقان و فشار حاکم بر کشور، وضع زندان‌ها و اوضاع نابسامان مهاجران در ایتالیا سخن گفتند و اعمال تشییقات کنسولگری جمهوری اسلامی در مورد دانشجویان دگراندیش ایرانی رادر ایتالیا، از جمله خودداری مسئولان رژیم از تمدید پاسپورت آنها آشکار ساختند و در این رابطه خواست‌های مشخصی مطرح کردند.

شخصیت‌های شرکت‌کننده در این نشست، حمایت کامل خود را از

اعتصاب غذا با موفقیت به پایان رسید.

در زیر توجه خوانندگان را به اساسی برخی از شخصیت‌ها و هیأت‌های نمایندگی سازمان‌ها و نهادهایی که ضمن مراجعه به محل اعتصاب غذا، از خواست‌های اعتصابیون حمایت کردند، جلب می‌کنیم:

● هیأت نمایندگی فراکسیون حزب کمونیست ایتالیا در سنا به سرپرستی کیا را مونته، رییس فراکسیون و عضو هیأت سیاسی حزب که حامل پیام رهبری حزب و گروه کمونیست‌ها در سنا بود ● آلبرتو بنزونی رییس جامعه دفاع از آزادی خلق‌ها و مشاور حزب سوسیالیست در شورای شهرداری رم ● هیأت نمایندگی اتاق کار کنفدراسیون عمومی کار ایتالیا ● فراکسیون کمونیست شهرداری رم به سرپرستی جورجو فره‌گوزی ● کمیته ناحیه (حزب کمونیست ایتالیا به مسئولیت ژوزف دامو) ● جان‌پابه شخصیت معروف و آکادمیسین بنام ایتالیا ● شهردار رم و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا ● فرانکو فونتی مسئول خارجی فدراسیون ● جانی پالومبو، مسئول کشوری جامعه دفاع از آزادی خلق‌ها ● سنتینو پیکتی، نماینده حزب کمونیست ایتالیا در پارلمان ● هیأت نمایندگی شورای شهرداری رم ● نمایندگان سازمان ملل ● هیأتی از جانب کنفدراسیون عمومی کار ایتالیا به سرپرستی آلفردو زولا ● خانم فرانکا تریسکو مشاور بهداشت و امنیت اجتماعی شهرداری رم ● هیأت نمایندگی سازمان جوانان کمونیست ایتالیا به سرپرستی مارکو فوماگالی ● خانم لدا کلمبینی نماینده حزب کمونیست در مجلس.

این تلگرام‌ها تا کنون از طرف شخصیت‌های ایتالیایی مخابره شده:

● خانم جانکارلا کدریلیانی نماینده چپ مستقل در پارلمان ● استادان پلی‌تکنیک تورینو چون: بوزانو، بکاری، تدرسکی، مونگاتو و استادان دانشگاه‌های دیگر ● خانم لیتا آگوییژه مشاور شهرداری رم ● آقای دیگو نولی شهردار تورینو و مسئول کل شهرداران ایتالیا ● خانم آدا سکالی ناظر در استانداری رم

بقیه در صفحه ۵

جانب آنان، کوشش در اجرای کامل آن‌ها را تعهد کردند. شهردار رم با حضور دز جمع اعتصابیون، به آنان اطمینان داد در این زمینه از هیچ کوششی خودداری نخواهد کرد و شخصا به سفارت ایران در رم مراجعه خواهد نمود. نمایندگان گروه سنا توره‌های حزب کمونیست ایتالیا نیز در محل اعتصاب غذا حاضر شدند و متعهد شدند با پذیرش هیأتی مرکب از نمایندگان دانشجویان ایرانی در سنای این کشور، کلیه امکانات خود را جهت تحقق بخشیدن به خواست‌های آنان به کارگیرند بیست و ششم ماه مه (پنجم خرداد)،

کارگران جهان پیگرد، شکنجه و اعدام توده ایها را محکوم می کنند

اسپانیا

چشم اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، روز جهانی کارگر که امسال با شرکت ده ها هزار تن با شکوه هرچه تمام تر در بارسلن برگزار شد، جلوه دیگری از همبستگی زحمتکشان و کارگران و دمکرات های این شهر با حزب توده ایران و توده ای های درینند بود.

در طول تظاهرات پارچه های منقش با شعارهای "به اختناق و شکنجه در ایران پایان دهید"، "زنده باد همبستگی بین المللی با زندانیان توده ای" و "آزادی برای زندانیان سیاسی ایران"، و مزین به گل سرخ

تهدید و ارعاب به کمک چماق، نقشه خود را عملی سازند.

خشم کارگران آگاه و مقاومت آنان در برابر زورگویی چماقداران رژیم جمهوری اسلامی، باعث شد چماقداران رژیم محل تظاهرات را ترک کنند و آن گاه غریب "مدافعین دژ خیابان را در صفوف ما جایی نیست"، "شکنجه گران توده ای ها، بیرون!" از جمعیت برخاست و تظاهرات، به صحنه ابراز همبستگی پر شور با حزب توده ایران و اعضای آن بدل شد.

رفقا آردیکا، رهبر حزب کمونیست و گرگوری لویز ریوندو، دبیر اول حزب سوسیالیست متحده



آرم حزب توده ایران، توسط هواداران حزب در بارسلن و سایر تظاهرکنندگان حمل می شد و اعضای کمیته همبستگی با ایران نیز پرچم سرنگ میهنان را که بزبان شعار همبستگی نقش شده بود، حمل می کردند.

در این میان گروهی از هواداران حکومت سرکوبگر ایران، قصد داشتند به صفوف تظاهرات رخنه کنند، اما از آنجا که با مخالفت سرسختانه کارگران و سایر تظاهرکنندگان روبرو شدند، کوشیدند با توسل به شیوه زور و با

اسلامی در این مراسم، به طور وسیع در مطبوعات اسپانیا منعکس گردید. روزنامه کثیرالانتشار ال پائیز، خبر و عکس چماقداران را چاپ کرد. سخن گوی کمیته های کارگری بارسلن، طی مصاحبه ای با رادیو ملی اسپانیا اظهار داشت اخراج جلادان توده ای ها از صفوف فشرده کارگران و دمکرات های بارسلن که پشتیبان توده ای ها هستند، نشانه غرور آفرین همبستگی آنان با کارگران ایران است.

هندوستان

امسال در سطح ایالات و شهرهای هندوستان مراسم اول ماه مه، روپ جهانی کارگر با شکوه هرچه تمام تر برگزار گردید. در بسیاری از مراسم تظاهرات راه پیمایی هایی که بدین مناسبت ترتیب داده شد، هواداران حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) شرکت داشتند. حضور آنان بار دیگر همبستگی پر شور کارگران، زحمتکشان و افراد مترقی حاضر در مراسم را با حزب توده ایران و زندانیان توده ای، فدایی و سایر دگراندیشان برانگیخت. غریب "محکوم باد روش های بربرمنشانه حکومت جمهوری اسلامی علیه مبارزین راه آزادی و عدالت اجتماعی" و "آزادی برای زندانیان سیاسی ایران" ۰۰۰ در روز جهانی کارگر، نشانه همبستگی پر شور همه کسانی که به خاطر اهداف والای بشری می رزمند بود و پیوند آنان را با زحمتکشان میهن ما و سازمان های آنان دگر بار تجدید کرد.

● در تظاهرات اول ماه مه در دهلی نو، پیام مشترک هواداران حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) بدین مناسبت به زبان هندی خوانده شد که در آن ضمن تجدید میثاق کارگران و زحمتکشان

ایران با برادران هندی خود، چهره ضدبشری رژیم حاکم بر ایران هرچه بیشتر افشا گردید.

● در میتیگی که در این روز در شهر بارودا تشکیل شد، سخنرانان که همگی از مسئولین اتحادیه های کارگری هندوستان بودند، در خلال نطق های خود به تشریح جو فشار و خفقان موجود در ایران و شکنجه و کشتار میهن دوستان پرداختند و ممانعت دولت جمهوری اسلامی از فعالیت سندیکاها و اتحادیه های کارگری و پیگرد فعالین جنبش کارگری ایران را محکوم کردند.

هواداران سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ضمن حضور در این مراسم، پیامی در اجتماع کارگران خواندند.

● مراسم اول ماه مه در شهر لودیانا (مرکز ایالت پنجاب)، عرصه دیگری از ابراز همبستگی کارگران هندوستان با زحمتکشان ایران و محکوم کردن جنایات حاکمیت جمهوری اسلامی بود. هواداران سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) با شرکت خود در گردهم آیی های کارگران این شهر، پیام آور دوستی و مودت کارگران ایران، به نام حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) با کارگران هندوستان بودند و رهبران اتحادیه های کارگری شهر، ضمن تشریح سیاست های حکومت راست گرای ایران و هم سوئی آن با سیاست های ارتجاعی دولت ریگان، کارگران بودیانا را به همبستگی هرچه گسترده تر با حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و اعضای درینند قرار دادند، فراخواندند.

بقیه در صفحه ۵

**با گسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان
سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم**

کشورهای اروپائی، صحنهٔ عربده‌کشی‌های قداره‌بندان "انجمن اسلامی"

خشم کارگران اسپانیایی و هواداران حزب خنثی شد، جرأت بیورش‌های افسارگسیخته چماق‌داران را گرفت و غریب "شکنجه‌گران توده‌ای بیرون!" که تظاهرکنندگان هم صدا با هم آن را سر دادند بدرقه قرار آنان از مهلکه شد.

وقایع چند هفته اخیر در اروپای غربی، در ایتالیا و اسپانیا رنگ خطری است که به صدا درآمده و از وقایع شومی خبر می‌دهد که "انجمن‌های اسلامی" و دیگر عمال رژیم جمهوری اسلامی به عنوان فرزند خلف رژیم شاه و شیوه‌های سرکوبگرانه آن حتی در خارج از کشور دوی آفریدن آنند.

تمام ایرانیان مبارز و میهن‌دوست وظیفه دارند با اتحاد و یکپارچگی خود، چنانکه در ایتالیا به ثمر نشست و با تکیه بر دوستان خارجی و انسان‌های آزادی‌خواه در کشورهای محل اقامت خود به این خیره‌سری‌ها و تشبثات فاشیستی لگام زنند. نباید اجازه داد عمال ارتجاع، سرکوب و خلفان را به خارج از مرزهای ایران نیز گسترش دهند. هرچه در توان داریم در راه افشار مقابله با این اعمال به کار بندیم!



چماق‌داران، تحت عنوان دانشجویان دمکرات متحد شدند و با پیش اعلامیه، جنایات رژیم در ایران و فرزندانش خلف آنان در خارج را افشا کرده و می‌کنند. رادیو و تلویزیون و تمام رسانه‌های گروهی کاتانیا، احزاب و سازمان‌های دمکراتیک محلی از جمله حزب کمونیست ایتالیا این اعمال را شدیداً محکوم کرده‌اند. جالب توجه است که پلیس چند نفر از این چاقوکشان حرفه‌ای را پس از ۲ - ۴ روز بازداشت، به بهانه "محموریت" سیاسی آزاد کرده است تا باردیگر حادثه و یا جنایتی تازه

عمال حکومت ارتجاع، منحرفین و اوباشانی که در اروپای غربی در انجمن‌های به اصطلاح "اسلامی" گردآمده‌اند، تا پیام‌آور حکومت "مستضعفان" در این کشورها باشند، نمایشی از آنچه که واقعیت سرکوب و اوباشگری و تروریسم دولتی در ایران است در خیابان‌های اروپا به صحنه آوردند.

اعضای انجمن "اسلامی" شهر کاتانیا سبیل در ایتالیا با الهام از رهنمودهای رهبران خود در ایران و شیوه‌های مافیایی رایج در محل، روز ۱۵ ماه مه (۲۶ اردیبهشت)، به دانشجویان مترقی و مبارز، برخی از هواداران حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و گروهی دیگر از دانشجویان مترقی، دمکرات و ضدامپریالیست حمله بردند و با ضرب چاقو و زنجیر و پنجه بوکس و... آنان را مجروح ساختند. ضربه چاقویی که از پشت به یکی از دانشجویان وارد شده شش وی آسیب رساند. این دانشجوی مدتی تحت مراقبت‌های ویژه در بیمارستان قرار گرفت و سرانجام جراحی شد. پس از وقوع این حوادث دانشجویان مبارز و فعال در این شهر برای مقابله با اعمال فاشیستی

کارگران جهان پیگرد، شکنجه‌و

بقیه از صفحه ۴
در مراسم تظاهرات اول ماه مه در مدرسه، پیام سازمان حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به زبان محلی خوانده شد. تجمع کنندگان، قاعنامه ای در همبستگی با زندانیان توده‌ای و فدایی و سایر نیروهای مترقی صادر کردند. در این قطعنامه، جنایات رژیم جمهوری اسلامی در حق مبارزین دگراندیش ایران محکوم شد و ضمن قدردانی از تلاش‌های خانم ایندیرا گاندی، نخست وزیر این کشور به منظور خاتمه دادن به جنگ میان ایران و عراق، از او به عنوان رئیس جنبش عدم تعهد خواسته شد، این کوشش‌ها هم چنان ادامه یابد.

اعتصاب غذا در ایتالیا علیه...

بقیه از صفحه ۴
رافائل بالدین خبرنگار و عضو رهبری سندیکای کارگران ساختمانی استان ونتو، از جانب نیروهای مترقی خارجی تلگرام‌هایی - تا کنون - به کمیته اعتصاب مخاپره شده که در زیر به اسامی برخی از آنان اشاره می‌شود:
● جبهه نجات ملی لبنان ● اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطینی در اروپا ● حزب کمونیست عراق ● انجمن دانشجویان کرد در اروپا ● حزب کمونیست یونان در ایتالیا ● سازمان حزب کمونیست شیلی در تورینو ● حزب کارگری انقلابی آرژانتین در تورینو ● هواداران جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین در تورینو ● هواداران جبهه خلق برای آزادی فلسطین در تورینو ● اتحادیه ویتنامی‌ها در تورینو.

تورینو ● سندیکای سراسری کارگران ساختمانی، وابسته به کنفدراسیون عمومی کار ● انجمن ملی پارتیزان‌های ایتالیا در رم ● فدراسیون حزب کمونیست ایتالیا در کامپانیا ● فدراسیون حزب کمونیست ایتالیا در تورینو ● مرکز تربیتی حرفه‌ای سینما در رم ● خانه ملی سینما در استان لاسیو ● هیأت مؤتلفه شهرداری فرارا ● انجمن ملی ضدشکنجه در رم ● انجمن زنان برزیلی در ایتالیا ● جنبش ملی مبارزات برای صلح ● فدراسیون حزب کمونیست ایتالیا در بلونیا ● مرکز فرهنگی کاپرال در بلونیا ● حزب سوسیالیست کارگری ایتالیا ● فدراسیون متحده کارگران تولیدات شیمیایی در یادوا ● اتحادیه ایتالیایی کارگران در تورینو ● جامعه حقوق و آزادی خلق‌ها ● اتحادیه زنان ایتالیا در تورینو.

آیابی حجابی فحشاء علی است؟

شوخی نیست...!

دیوار اسلامی!

"... در همه کارها افراط و تفریط بد است. با توجه به مسئله حجاب و پوشش اسلامی و موازین اسلامی، شنیده ام در بعضی از کلاس ها بین محل نشستن دانشجویان (دختر و پسر) دیوار گذاشته اند که این کار یک نوع تفریط است. برادران و خواهران در تمام جوامع، راه پیمایی ها، تظاهرات، اجتماعات، نماز جمعه ها و... در همه جا در کنار هم با رعایت موازین و مقررات اسلامی قرار دارند. این تندی ها و افراط کاری ها لازم نیست."

سید علی خامنه ای، در نماز جمعه (کیهان - ۶۲/۲/۲۲).

- آتش چنان شور شده که خان حاکم هم فهسیده!

آخرین خبر: قرار بود در سفینه فضایی که جمهوری اسلامی می خواهد به فضا بفرستد میان محل خواهر فضا نورد و محل برادر فضا نورد دیوار کشیده شود. پس از سخنان حجت الاسلام خامنه ای قرار شده دیوار را بردارند، در عوض خواهر فضا نورد را برای برادر فضا نورد سیفه کنند!

● احمد زرهانی نماینده دز قول: (کیهان، ۲۵/۲/۶۲).

"مجلس دوم... باید برای حل این معضلات اقتصادی چاره اندیشی کند و شره کار او طوری نباشد که در پایان دوره مثل امروز روزنامه هادر صفحه اول تیتر کنند که یک هیئت بازرگانی چهارصد نفره از ترکیه وارد تهران شد که این آمدن های سیل آسا، به منزله تشدید وابستگی هاست."

- ناراحت نباشید، آن موقع هیئت های چهار هزار نفره خواهند آمد! شاید هم سیل آمد و مجلس دوم را بردا ● حجازی نماینده ماکو:

"عربستان سعودی که روی امواج طلای سیاه خوابیده، برای اداره ۷ میلیون نفر، روزی ۷ میلیون بشکه نفت صادر می کند، ولی با ۴ میلیون نفر آن در آتش فقر می سوزند، ولی کشور عزیز ایران تنها با حدود ۲ میلیون بشکه نفت، ۴ میلیون ایرانی به اضافه جنگ تحمیلی را به نحو قابل ملاحظه ای اداره می کند."

- عجب اداره ای! و عجب قابل ملاحظه ای! قابل ملاحظه اش که این است، غیر قابل ملاحظه اش دیگر چه جور است!

لباس اسلامی در معابر، مجامع عمومی - اختلاط و رفتارهای نامشروع زنان و مردان در پارک ها و تریاها و پیست های اسکی و پارک ها - مشروب خواری علنی و تظاهر به مستی - مراکز تهیه و تکثیر فروش نوارهای میتدل موسیقی و ویدئو و هر عمل منکری که عفت عمومی جامعه اسلامی را مورد تهدید قرار دهد..."

ملاحظه می کنید که حتی اختلاط و گلنگوی زنان و مردان در پارک ها و پیست های اسکی، رگ فیرت این آقایان را به شربان شدید وامی دارد.

"عضو شورای عالی قضایی" در مصاحبه خود می گوید: "حجاب از ضروریات فقه اسلام است. مسلم و غیر مسلم که در زمه اسلام اند حق ندارند تظاهر به منکرات کنند."

یعنی هر زن خارجی هم که پایش به ایران می رسد، در "زه اسلام" قرار می گیرد و باید بلافاصله از نظر لباس به دوران جاهلیت برگردد.

از این رو سازمان دهندگان مبارزه با منکرات که پای استدلالشان چوبین است به ارباب متوسل می شوند و مرتکبین "منکرات" را به مجازات تهدید می کنند. چگونگی مجازات را حجت الاسلام مقتدایی، عضو شورای عالی قضایی روشن می کند، او پس از برشمردن موارد نظارت و اقدام گشت های می افزاید:

"در اسلام مواردی داریم که اگر جرم تشدید پیدا کرد، شخص اعدام خواهد شد... و اگر مرتبه سوم این جرم را مرتکب شد حکم او اعدام است."

البته بعضی از بزرگان و فقها برای رعایت انسان دوستی و رأفت اسلامی احتیاط می کنند و "مرتبه چهارم حکم را اعدام می دانند!"

مضحک ترین بخش مصاحبه آقای بجنوردی آنجاست که جنبه های دمکراتیک کار این گشت ها را توضیح می دهد. اومی گوید:

"روش کار واحدهای این گشت عبارتست از: تذکر، اخطار، دستگیری در موارد مربوط به بی حجابی و عدم رعایت پوشش و لباس اسلامی، در درجه اول به وسیله دو نفر از خواهران، تذکر و ارشاد با

بقیه در صفحه ۷

تازه ای از خود ساخته میان "فحشاء علنی" و "عدم رعایت پوشش اسلامی" در معابر و مجامع عمومی، علامت تساوی می گذارد!

پا زور کردنی نیست ولی واقعیت دارد، در جمهوری اسلامی، کسانی حکم می رانند که بدون احساس ذره ای شرم، مردمی که پیش از تسلط مطلق قشری هامتولد شده اند، زادگان محیط "فحشای علنی" می نامند و سپس خود پسندانه با ددر عبا می اندازند و عازم حرمسرای خویش می گردند، جایی که ده ها زن محروم را به صورت عقدی و سیفه زندانی کرده اند.

آقای "حجت الاسلام" دو آتشه مسلمان، در واقع مدعی شده است در سراسر کره زمین و در همه کشورها، فحشای علنی حکومت می کند و تنها استثناء ایران به گورستان تبدیل شده و شاید هم عربستان سعودی است که در آنها با ۷۴ ضربه شلاق حساب آن زنانی را می رسند که بخواهند به عنوان عنصر متساوی الحقوق جامعه در معابر و مجامع ظاهر شوند.

واقعاً چه اندوهی بزرگتر از این که در دوران سفرهای کیهانی و شکافتن هسته اتم در میهن رنج کشیده ما این گونه مرتجعین سالوس صاحب اختیار جان و مال و ناموس مردم باشند.

تنها چیزی که "حجت الاسلام" فراموش کرده، اینست که بگوید، طی این هزار و چهارصد سال علت پیشرفت های محیرالعقول عربستان، مبارزه با منکرات و بی حجابی بوده و گویا اکنون در همان گرانیکاه اسلام است که هسته اتم را شکافته اند و دارند تدارک سفر به سیارات دیگر را می بینند!

آقای موسوی بجنوردی، پس از اینکه مژده می دهد: "برای جلوگیری از شیوع فحشاء، منکرات و فسق و فجور علنی در سطح شهر تهران، گشتی متشکل از خواهران و نیز گشتی های برادران متدین - متعهد - متأهل و آگاه به مسائل شرعی و اخلاقی و رفتار اسلامی به نام گشت کمیته انقلاب اسلامی تهران تشکیل شده است"، موارد نظارت و اقدام این گشت را چنین اعلام می کند:

"منکرات و فحشای علنی، شامل بی حجابی و عدم رعایت پوشش و

هفته اول خرداد ماه جاری که از طرف سازمان دهندگان تبلیغات جمهوری اسلامی "هفته حجاب" اعلام شده بود با برپایی "سینار هفته حجاب" پایان یافت.

در شرایطی که جنگ خانمانسوز بخش عظیمی از نیروی انسانی و منابع مالی میهن ما را می بلعد و بار سنگین بی کاری، گرانی و کمبود پشت زحماتشان را خم کرده و خفقان و سرکوب فاشیستی، فضای غیر قابل تنفس در ایران ایجاد کرده است، مسئولین وابسته، قشری و عقب افتاده جمهوری اسلامی، ناتوان از حل معضلات اساسی جامعه ما، تهدید و اعمال فشار به زنان را تشدید می کنند. نمایش مسخره هفته حجاب و سینار آن با بی اعتنایی مزدم روپزو شد. خامنه ای عدم رضایت خود را در ملاقات با جمعی از زنان عضو حزب حاکم، حزب جمهوری اسلامی این گونه بیان داشت:

"... آنچنان که شایسته بود، این سینار انعکاس نیافت و بر روی آن کار اساسی صورت نگرفت. وی تأکید کرد "بر روی مسئله حجاب باید کار مهنری (۱) صورت گیرد تا این مسئله در ذهن این عده جای بگیری!" (رادیو ایران - ۶۲/۲/۱).

آنجا که استدلال ناتوان است، زور به میدان می آید. مرتجعین حاکم بر میهن ما نیز برای تحمیل چگونگی رفتار و پوشش مورد نظر خود به زنان تهدید و توهین را پیشه کرده اند: خامنه ای در نماز جمعه ۲۱ اردیبهشت ۶۲، تمامی مردم ایران را یکسر از نسل فساد و فحشاء می خواند و حکم می کند:

"... یک روز این مملکت غرق در فساد بود، یک روز دخترها و پرهاییکی از اساسی ترین اهداقتان مسائل جنسی و مسائل مربوط به همین بی بند و باریها بود... و تهدید می کند که عدم رعایت ضوابط تحمیلی از جانب آنان... برادران و خواهران حزب الله را به عکس العمل و ادار خواهد کرد (نماز جمعه همان تاریخ).

حجت الاسلام سید محمد موسوی بجنوردی، عضو شورای عالی قضایی نیز در گلنگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی و دفتر مرکزی خبر، قواعد

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره توطئه علیه مسئولین و اعضای سازمان در زندان

این اسامی به دلایل امنیتی و نیز نقص اطلاعات تنها شامل بخشی از کادرهای پرسابقه سازمان فداییان خلق ایران است:
رحیم اسداللهی، صد اسلامی، علیرضا اکبری شاندریز، حسین بهبودی پشته، علی برهیزی، رضی‌الدین تاپان، مینا چریزی، محمد چودکی، مهرانگیز رضایی، ناصر شعاع آذر، صدرشمال‌الدین، زهره صدیق تنکابنی، محمدرضا غبرائی، بهروز غیاثوند، محسن فارسیانی، تقی قانع خشکه بیجاری، انوشیروان لطفی، اکبر مرادیان بروجنی، جواد ملاحسنی، محسن میرزاپور، فرهاد نگهدار، علیرضا نویری، مخی نیک‌بی.

هم‌میهنان گرامی! انقلابیون و میهن پرستان ایران!

جان فداییان زندانی دوعرض خطر جدی است. در دفاع از این فرزندان مبارز و هم‌زمان پاک‌باخته، صدای خود را رساتر کنیم.
برای خنثی کردن توطئه‌های حکومت علیه انقلابیون و میهن پرستان برای قطع شکنجه و کشتار فرزندان خلق همگی و با تمام نیرو بکشیم فداییان، توده‌ای‌ها، مجاهدین، مبارزین انقلابی و همه میهن پرستان اسیر، از هر گروه و سازمان میهن پرست و ترقی خواه، این اندیشه و خواست را دارند که همه انقلابیون و میهن پرستان نیروی خود را در دفاع از آنها، به طور مشترک و هم‌آهنگ به کار گیرند. به خواست هم‌زمان دربند خود پاسخ مثبت دهیم.

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، از همه نیروهای ترقی خواه جهان، از همه سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر و حقوق زندانیان سیاسی دعوت می‌کند، در دفاع از رفقای دربند ما و همه اسیران انقلابی و میهن پرست که در زندان‌های جمهوری اسلامی دربندند و زیر شکنجه‌های مرگ‌بار قرار دارند، صدای اعتراض خود را رساتر سازند.

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
۶۳/۱۵

قرار گرفت. او سه بار موفق شد حلقه محاصره آنان را بشکند. اما آخرین بار در اول شهریورماه سال گذشته که تحت تعقیب قرار گرفت، رابطه‌اش با سازمان قطع گردید و تا امروز مقامات مسئول کوچک‌ترین خبری در باره سرنوشت رفیق انوشیروان لطفی به مردم نداده‌اند. همسر او را نیز اسیر کرده‌اند. خانواده‌های آنها هم در پی اطلاعی محض نگاهداشته شده‌اند.

مقامات حکومتی این جنایات را علیه فداییانی مرتکب می‌شوند که در زندان‌های رژیم خونخوار شاه شکنجه دیده‌اند و یاد انقلاب نقش و شرکت فعالی داشته‌اند، گناه آنها صرفاً دفاع از استقلال و آزادی میهن خویش و آزوی بهروزی برای کارگران و دهقانان زحمتکش و مخالفت با چپاولگری سرمایه‌داران است. جهت اطلاع شما از گوشه‌ای از جنایاتی که در میهن ماصورت می‌گیرد، کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) اسامی گروهی از مسئولین و کادرها و اعضای قدیمی سازمان را که در زندان به سر می‌برند اعلام می‌کند.

سازمان ما را بازداشت و به شکنجه‌گاه‌ها بردند. به علاوه زمامداران جمهوری اسلامی که تا کنون نتوانسته‌اند به رهبری سازمان دست یابند، به تشدید شکنجه فداییان اسیری که از پیش از دو سال قبل در زندان به سر می‌برند، روی آورده‌اند. دژخیمان به ویژه برای از پادآوردن عده‌ای از اعضاء و مشاورین کمیته مرکزی و بسیاری از کادرهای سازمان که مدت‌هاست در زندان اوین و دیگر شکنجه‌گاه‌های رژیم به گروگان نگاهداشته شده‌اند، همه امکانات خود را به کار گرفته‌اند. بیش از یک سال است رهبران جمهوری اسلامی این رفقای ما را به زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها کشیده‌اند تا آنها را بشکنند و تسلیم کنند.

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) اعلام می‌دارد؛ رفیق انوشیروان لطفی عضو مشاور هیأت سیاسی کمیته مرکزی سازمان از مبارزان شناخته شده جنبش انقلابی ایران نیز در تابستان سال گذشته مورد شناسایی، تعقیب و مراقبت مأمورین و مزدوران رژیم

هم‌میهنان گرامی! مردم مبارز و قهرمان ایران!

پیگرد، شکنجه و کشتار بهترین فرزندان شما، کسانی که همه خواست و آرزویشان آزادی میهن و بهروزی مردم ایران است، همچنان دامنه گسترده‌تری می‌یابد. زمامداران جمهوری اسلامی که علی‌رغم زندان و شکنجه و اعدام فداییان، توده‌ای‌ها، مجاهدین و دیگر مبارزان میهن پرست، نتوانسته‌اند سازمان‌های ضدانگلیزیالیست و مردمی را درهم بشکنند، اکنون توطئه‌های جنایتکارانه تازه‌ای را علیه فداییان خلق ایران به اجرا درمی‌آورند. در نتیجه پیگردهای وسیع، هجوم به خانه‌ها، محله گردی، قرق خیابان‌ها و میدان‌ها و کنترل گلوگاه شهرها به کمک مزدوران و خودفروختگان و با بهره‌گیری از بایگانی اطلاعات ساواک، طی ماه‌های اخیر، عده دیگری از مسئولین و کادرهای سازمان ما اسیر و ربوده شده‌اند. تنها در شهر اهواز مزدوران رژیم و دستجات اوباش حکومت نزدیک به ۵۰ نفر از فعالین

آیابی حجابی فحشاء علنی است؟

بقیه از صفحه ۶

دیکتاتوری، زنان ایران برحسب سن و معتقدات و کار و حرفه‌شان، پوشش مناسب خود را برگزیدند. تحمل پوشش قرون وسطایی و دست و پاگیر نیز فقط تا زمانی که پاسداران فاشیسم، با اسلحه بر مردم مسلط‌اند ادامه خواهد یافت. امروز مردم ایران بیش از پیش به این واقعیت پی‌می‌برند که بدون رهایی از شر این انسان‌های متعلق به قرن‌های گذشته، راه به سوی خوشبختی و بهروزی خلق‌های ایران گشوده نخواهد شد. باید با کار بی‌گیر و پرحوصله، ماهیت زشت و ارتجاعی این انسان‌نهای آلت دست غارتگران را برای توده‌های معتقد به مذهب روشن کرد، تا زمینه برای کوتاه کردن دست آنان از اموری که در صلاحیتشان نیست فراهم گردد.

دوستانه" گذاشت. این "خواهران ارشادگر" که به علت قشریگری مطلق و تعصب جهالت‌آمیزشان برای این "شغل شریف" برگزیده شده‌اند، زنان را دستگیر می‌کنند و می‌کوشند با تکرار مطالبی که طوطی‌وار حفظ کرده‌اند آنان را مرعوب سازند و وقتی با واکنش و استدلال قاطع و دندان‌شکن زنان آگاه روبرو شوند، قادر به پاسخ‌دادن نیستند و به تهدید و توهین متوسل می‌شوند و پس از آن کار به شلاق زدن توسط برادران می‌کشد و در صورت ادامه مقاومت به اعدام منجر می‌گردد.

دوران تسلط مستبدین و زورگویان برخلاف آنچه می‌پندارند، همیشگی نیست. رضاخان قلدر نیز که داعیه "پدري" مردم ایران را داشت، برای تحمیل تمدن آنچه‌نایی و به زور سرنیزه حتی چادر از سر پیرزنان برگرفت. اما پس از سقوط

روش کاملاً محترمانه و دوستانه و با استفاده از وسایل ارشادی از قبیل نوشته، کتاب، بیان کیفیت حجاب اسلامی و اثرات آن به عمل می‌آید و در صورتی که خاطی نپذیرفت او را به داخل ماشین خواهران هدایت و در آنجا به ارشادش می‌پردازند و در صورت مجاب نشدن به او اخطار می‌نمایند که در صورت تکرار این قبیل رفتارها او را تحویل مراجع قضایی خواهند داد. در صورتی که این بار نیز نپذیرفته و پرمعمل خلاف خود اصرار نماید او را به مقرکشت منتقل و پرونده قضایی برای او تشکیل خواهند داد. در جمیع این مراحل برادران از فاصله‌های متناسب مواظب خواهران و اتوموبیل آنها بوده و در اقدامات ارشادی آنها دخالتی نخواهند داشت."
مسلمانان این تهدید و فشار علنی را نمی‌توان رفتار "محترمانه

سرنوشت غم‌انگیز کودکان در جمهوری اسلامی

هم مانند عهد دقیانوس کرسی بگذارند (آن هم کرسی با تنورا) روی دادن حادثه اجتناب ناپذیر است. وقتی که خانواده‌ای یک اتاق اجاره می‌کند و همان اتاق باید آشپزخانه اش هم باشد و کودکانش هم ناچارند در همان اتاق بازی کنند و مادر هم به دنبال کار دیگری رفته است، بدیهی است که بچه‌ها مساوریا چراغ خوراکی پزی را روی خود برمی‌گردانند یا نوزاد هشت ماهه پوست پسته را از زمین برمی‌دارد و می‌بلعد و خفه می‌شود. اگر هم گناه را به گردن بی‌توجهی و بی‌احتیاطی پدران و مادران بیندازیم باز بار اصلی گناه این فقر فرهنگی به دوش رژیم و حاکمیت است که در راه آموزش دادن و آگاه کردن مردم کوچک‌ترین گامی برداشته است.

رادیو و تلویزیون رژیم در هر شبانه روز ساعت‌ها برنامه دارند و گوش مردم را با هیاهوهای تکراری و ملال‌آور تبلیغاتی‌شان کر می‌کنند و با نوحه‌ها و زاری‌های خارج از اندازه‌شان دل مردم را به درد می‌آورند، آن وقت همین رادیو و تلویزیون حتی یک برنامه پنج دقیقه‌ای آموزشی ندارد که بگوید پدران مادران مراقب باشید فرزندانتان با برق بازی نکنند، یا دست توی چرخ‌گوش‌ت نکنند. مکرر و مکرر در روزنامه‌ها می‌خوانیم که:

باز هم چرخ‌گوش حادثه آفرید!

وقتی دختر بچه مسافری از کف پوسیده مینی‌بوس سقوط می‌کند و زیر چرخ‌های آن له می‌شود، فرمانده پاسگاه پلیس راه می‌گوید:

"با توجه به این که بارها به راننده مینی‌بوس تذکراتی در مورد درست کردن وضعیت ماشین داده بودیم، ولی به خاطر داشتن پرک معاینه، ماهیچ گونه اقدامی نمی‌توانستیم بکنیم." (۱) (کیهان-۶۲/۲/۱۲)

از سوراخ سوزن گذاشتن و از دروازه رد نشدن همین است! آقایانی که چیزی به نام قانون و احترام به قانون نمی‌شناسند، هر موقع اراده کنند به خانه‌های مردم هجوم می‌برند و آن‌ها را بازداشت می‌کنند، محکوم به زندان را هر زمان که بخواهند، اعدام می‌کنند، حالا سخت پایبند قانون شده‌اند. می‌بینند مینی‌بوس نقص

بقیه در صفحه ۹۴

و دردناک چیست؟ شاید روزنامه‌ها و مقامات جمهوری اسلامی برای منحرف کردن افکار از علل اصلی، بخواهند علل جزئی و درجه دورا عمده کنند و از بی‌احتیاطی کودکان و بی‌توجهی والدین سخن بگویند. اما با تأکید بر این که علل اصلی همچنان به جای خود باقی است، باید افزود این حوادث منحصر به کودکان و نوجوانان هم نیست. بزرگ‌ترها هم هر روز چار و قربانی این حوادث می‌شوند: برق گرفتگی، سقوط در چاه، زیر آوار ماندن، حوادث کار، حوادث



رانندگی در شهرها و جاده‌ها و ده‌ها حادثه دیگر در میهن زجر کشیده ما جزو رویدادهای عادی و روزمره درآمده است. چیزی که هست کودکان ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرترند.

علت اصلی بی‌مسئولیت بودن رژیم و حاکمیت است. هر رژیم خودگامه‌ای، چه شاهنشاهی باشد و چه جمهوری اسلامی، از آنجا که خود را در برابر مردم مسئول و پاسخ‌گو نمی‌داند، سرگرم مسائل می‌شود که برای خود او مهم است نه برای مردم. و اگر هم بخواهد توجه کند، بنایه خصلت خود تنها به مجازات و تشدید مجازات بعد از حادثه می‌اندیشد، نه به پیشگیری.

علت دیگر فقر مادی و فرهنگی مردم است. وقتی که مردم ناچارند هنوز

● ناصر صابری ۲ ساله به علت دست کردن به داخل چرخ‌گوش دو انگشتش له شد.

● زهرا سلیمانیان ۵ ساله به علت سقوط در چاهی واقع در خیابان ولی‌عصر کشته شد. (کیهان - همان شماره)

● دختر بچه ۴ ساله‌ای در تصادف با اتومبیل جان خود را از دست داد. (کیهان-۶۲/۲/۱۱)

● اجساد دو پسر بچه خردسال که به قتل رسیده‌اند، در یک انبار متروکه ... کشف شد. (کیهان-۶۲/۲/۲)

تنها در یک شماره روزنامه کیهان، این خبرها درباره کودکان و حوادثی که برای آن‌ها روی داده است، به چشم می‌خورد:

● کودک ۲ ساله‌ای به نام علی سلیمان‌ی، اهل همدان با کشیدن سیم برق مساور برقی باعث واژگونی مساور به روی خود شد که در نتیجه ۱۵ درصد از بدنش دچار سوختگی شد.

● کودک یک ساله‌ای به نام مرشیه هنگام بازی با خواهر بزرگ‌ترش در اتاق با چراغ خوراکی پزی برخورد کرد که در نتیجه محتویات قابل‌بله روی چراغ به روی او واژگون شد و بخش وسیعی از بدنش سوخت.

● کودک ۵ ساله از کف پوسیده مینی‌بوس سقوط کرد و زیر چرخ‌ها له شد.

● آب جوش درون فلاسک به روی کودک هشت ماهه‌ای ریخت و او را سوزاند. (کیهان-۶۲/۲/۱۲)

در هر شماره دیگری هم که صفحه حوادث را نگاه کنید، یکی دو خبر در باره کودکان و حوادثی که برای آن‌ها رخ داده است، خواهید یافت:

● کودک ۲ ساله‌ای سیم را درون پریز برق کرد و دچار برق گرفتگی شد. (کیهان-۶۲/۱/۲)

● کودک ۲ ساله‌ای هنگام خواب در تنور کرسی افتاد و سوخت. (کیهان-۶۲/۱/۲۷)

● کودک ۲ ساله‌ای به علت دست کردن به داخل چرخ‌گوش، چهار انگشت دست راستش قطع شد. (کیهان-همان شماره)

● پوست پسته راه تنفس کودک هشت ماهه‌ای را بند آورد و او را کشت. (کیهان-۶۲/۲/۲)

● کودک ۲ ساله‌ای، وقتی که در حیاط منزل‌شان مشغول بازی بود، به درون قابله آب جوش افتاد و سوخت. (کیهان-۶۲/۲/۴)

● پسر بچه ۱۰ ساله‌ای به خاطر سرد بودن هوا مبادرت به روشن کردن آتش روپاز کرد که در این میان آتش به او سرایت کرد و بخش وسیعی از بدنش سوخت. (کیهان-همان شماره)

● پسر بچه ۵ ساله‌ای دچار برق گرفتگی شد و جان خود را از دست داد. علت برق گرفتگی جدا شدن سیم برق از کنتور همسایه بود که به زمین افتاده بود. (کیهان-۶۲/۲/۵)

این خبر که خبر "ساده" یکی از ده‌ها حادثه‌ای است که برای کودکان نگون بخت ما رخ می‌دهد، بعداً به این صورت وحشتناک "اصلاح" شد:

● پدری که در پی جدا شدن از همسرش، نگهداری فرزندان را به عهده گرفته و سپس از انجام آن ناتوان مانده بود، آنان را کشت و اجسادشان را در داخل یک انبار متروکه رها کرد. مقتولین هشت ساله و ده ساله بودند. پدر با کوبیدن سنگ بر سر فرزندان خود آنان را به قتل رساند. (کیهان-۶۲/۲/۴)

پدر سبب قتل پسران خود را "بازیگوشی بچه‌ها" ذکر می‌کند!

● ● ●
علت روی دادن این حوادث غم‌انگیز

منع کار کودکان، خواست به حق مردم ایران

● کارگران منع کار کودکان در قانون کار جدید را خواستارند!
● در قانون کار پیشنهادی دولت، کار کودکان جنبه قانونی به خود می‌گیرد!

● شرایط کار کودکان و نوجوانان در ایران دردناک و غیرانسانی است!
● کودکان و نوجوانان باید در سنین رشد از امکانات مناسب آموزش و پرورش برخوردار شوند!

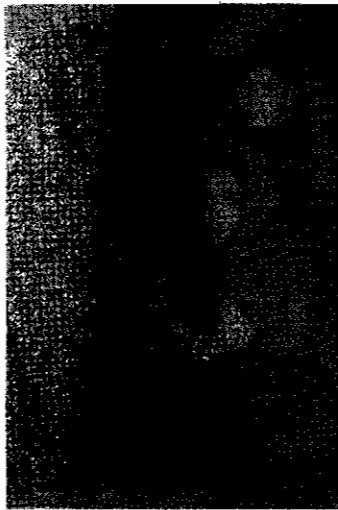
کارفرما، ... این توده زحمتکش، اغلب بی‌سوادند!
بدین ترتیب جهانی به نام مزرعه، کارگاه، کارخانه، کوره‌پزخانه و ... شیرین‌ترین ایام زندگی فرزندان زحمتکشان میهن ما را بی‌بعلد و داغ محرومیت را برای همه عمر پر پیشانی آنها می‌زند تا جیب مشتی سرمایه‌دار و زمین‌دار بزرگ انباشته‌تر شود.

مبارزه برای منع کار کودکان

منع کار کودکان و بهبود شرایط زندگی صدها هزار تن از کارگران کم سن و سال، همواره یکی از خواسته‌های اصلی طبقه کارگر ایران و نیروهای مترقی بوده است. رژیم ضد مردمی شاه در متنگه این مبارزات و به رغم خواست خود موادی در قانون گنجانده که کار کودکان کمتر از ۱۲ سال را ممنوع اعلام می‌کرد و نیز در زمینه استفاده از کار کودکان به برخی محدودیت‌ها تن در داد. این تنها ظاهر امر بود؛ آمارهای رسمی خود رژیم نشان می‌دهند که در عمل، چه سیاستی در قبال زحمتکشان کم سن و سال پیش برده می‌شد.

در سال‌های پس از انقلاب، مبارزه برای دفاع از حقوق کودکان و نوجوانان زحمتکش توسط نیروهای مترقی و در پیشاپیش آنها حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران و نیز سندیکاها و نهادهای کارگری ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت. اما مسئولین جمهوری اسلامی ایران برای تأمین حقوق کودکان و نوجوانان زحمتکش کوچک‌ترین گامی برنداشتند.

توکلی وزیر سابق کار برای استعمار توده‌های محروم حد و مرز سنی قابل نبود و کار کودکان را تحت عنوان "روابط سنی شاگرد و استادی" با اجازه والدین! شرعی و قانونی می‌شمرد. به رغم اعتراضات گسترده کارگران به این مسئله در قانون کار جدید نیز کار کودکان ۱۲ تا ۱۵ ساله تحت عنوان "کارآموز" به رسمیت بقیه در صفحه ۱۵



این صحنه صدها است ۱۲ ساله در ۳۰ سال است که ۱۵ می‌باشد سواد ندارد. از ۶ صبح تا ۱۲ شب کار می‌کند. ۲۳ تومان دستمزد می‌گیرد (ده آبکوه)

کارگاه‌های صنعتی - خدماتی شهرها، یکی از مهم‌ترین مراکز جذب نیروی کار کودکان و نوجوانان را تشکیل می‌دهند. در کمتر کارگاه ریخته‌گری، تراشکاری، نجاری، پلورسازی، تعمیرگاه اتوموبیل، گاراژ و ... است که در آن نشانی از کارگر کمتر از ۱۵ سال نباشد.
برای کارفرمایان ایرانی، مانند همه مسلکانشان در سراسر جهان، استفاده از کار کودکان، سودآور و بی‌دغدغه است. کارگران کم سن و سال در ازای کار مشابه با دیگران، دستمزد بسیار ناچیزی می‌گیرند. حتی تا ۱۲ ساعت در روز هم کار می‌کنند. نه از حق بیمه و بازنشستگی آگاهی دارند و نه قانونا چنین حقی به آن‌ها تعلق می‌گیرد. اخراج نوجوانان کارگر بسیار ساده است. نوجوانان کارگر نه عضو سندیکا هستند و نه راه وزارت کار را برای شکایت و بی‌گیری حقوق خود می‌شناسند. البته بردشواری‌های کار کودکان و نوجوانان، باید این موارد را هم افزود: برخورداری از سطح نازل آموزش فنی، محیط‌های کار کاملاً غیر بهداشتی و غیرایمن، مشکل مسکن، اجبار به انجام کارهای سنگین و شبانه، تحقیر و آزار و حتی تنبیه بدنی توسط

بزرگ ناشی می‌شود، به طر مسداوم، افزایش یافته است.

شرایط دردناک کار کودکان

برابر آمار رسمی، بیش از ۶۰٪ کودکان و نوجوانان کارگر در روستاها و بخش‌ها کار می‌کنند. کودکان و نوجوانان روستایی، به طور عمده در بخش‌های کشاورزی، دامداری و نیز در کارگاه‌های قالی بافی به کار اشتغال دارند. توده عظیمی از نوجوانان روستایی در بی‌یافتن شغل به همراه افراد بزرگسال محل زندگی خود، به شهرهای بزرگ روی می‌آورند.



بازی نمکنند، کارکنند است که کارکنند و کار موانع ملی از کار، که در اینکه کارکنند، بقیه فرایان است، اجازه ده، ماهی و هر کار خواهد کرد، بدن آنه مره هفتان کودکی خود را چیده باشد.

مهاجرین کم سن و سال بیشتر به کارهای ساختمانی، کارگاه‌های پیشه‌وری مانند کفاشی، خیاطی و ... دست‌فروشی، مراکز تجاری شهرها و به ویژه بازار و کارهایی مانند یادویی می‌پردازند. بخشی از کودکان و نوجوانان نیز در کوره‌پزخانه‌ها و دیگر واحدهای تولیدی کوچک اطراف شهرها کار می‌کنند.

بیش از ۱۰۰ میلیون کودک و نوجوان در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته و نیز در کشورهای تحت سلطه در آسیا، آفریقا و آمریقا لاتین علی‌رغم منع کار کودکان توسط قوانین بین‌المللی و از جمله اعلامیه جهانی حقوق کودک و قوانین سازمان بین‌المللی کار ای. ال. او. در شرایط کاملاً غیرانسانی مورد استعمار قرار می‌گیرند.

کشور ما ایران نیز یکی از کشورهای است که در آن از کار کودکان و نوجوانان در بخش‌های مختلف اقتصادی - صنعت، خدمات و کشاورزی - به طور وسیع استفاده می‌شود. طبق سرشماری سال ۱۳۵۵، به طور رسمی حدود ۶۵ هزار نوجوان تا ۱۴ ساله در عرصه‌های گوناگون رسماً کار می‌کردند. اما اگر اندکی در جداول آماری سرشماری نام برده دقیق‌تر شویم، رقم واقعی کودکان و نوجوانانی را که به جای رفتن به مدرسه و برخورداری از امکانات یک زندگی مناسب، در دشوارترین شرایط به کار می‌پردازند، به مراتب بیشتر از میزان اعلام شده می‌یابیم. در سال ۱۳۵۵، نزدیک ۲/۲ میلیون کودک و نوجوان ۶ تا ۱۴ ساله هیچ‌گاه به مدرسه راه نیافتند و جمع افرادی که در همین گروه سنی - هنگام سرشماری - به تحصیل اشتغال داشتند به ۲ میلیون نفر بالغ می‌شد. بدون تردید دلیل اصلی عدم اشتغال به تحصیل این توده عظیم، چیزی جز فقر و محرومیت درآورد خانواده‌های زحمتکش آنان نبوده است. از این رو طبیعی است که بخش عمده این ۲ میلیون نوجوان در کنار دیگر اعضای خانواده برای گذران زندگی و تأمین معاش روزانه مجبور به کار در مزارع و کارگاه‌ها و ... باشند.

این رقم چشم‌گیر در سال‌های پس از ۱۳۵۵ تا امروز، به علل تشدید روزافزون فقر توده‌های زحمتکش (که از ادامه روند استعمار بی‌بندوبار میلیون‌ها تن از کارگران و دهقانان توسط سرمایه‌داران و زمین‌داران

کارنامه بی افتخار و ضد مردمی

ثمره فعالیت مجلس اول

نی‌توان بر آن گذاشت.

نکته جالب توجه آنست که برخی از این قوانین نظیر "توزیع عادلانه آب" رونوشتی از قوانین رژیم شاهنشاهی با "حجاب اسلامی" است و در مواردی مانند قانون "مالک و مستأجر"، مفاد آنها به مراتب بیشتر از مقررات مصوب رژیم مغز پهلوی علیه منافع زحمتکشان است. قانون "مالک و مستأجر" مصوب مجلس همان قانون ارتجاعی آریامهری سال ۱۲۵۶ است، با حذف بندهایی که به طور ظاهری به نفع مستأجرین بود. به عبارت دیگر مجلس جمهوری اسلامی حتی خود را به طرفداری ظاهری از مستأجرین هم مقید ندید.

"اصلاحات ارضی" و "ملی کردن تجارت خارجی" از قوانین بسیار مهمی بودند که مجلس اول باید به آنها رسیدگی می‌کرد. کلیات طرح "اصلاحات ارضی" که با سرنوشت اکثریت بزرگی از مردم ساکن روستاهای ایران پیوند دارد، ابتدا در ۱۱ اسفند ماه ۱۳۶۰ بر مبنای قانون مصوب شورای انقلاب و با عقب نشینی‌های جدی، به نفع کلان زمین‌داران به تصویب مجلس رسید. در شور دوم اکثریت مجلس بازم به عقب نشینی دست زد و قانون نیم‌بندی به تصویب رسید که از سوی شورای نگهبان ارتجاع رد شد. از آن پس مسئله اصلاحات ارضی به فراموشی سپرده شد.

سرانجام لایحه ملی کردن تجارت خارجی از سرنوشت قانون اصلاحات ارضی نیز بدفرجام‌تر است. این لایحه پس از چندبار رد و بدل شدن میان مجلس و شورای نگهبان، در آخرین روزهای مجلس اول به صورتی تصویب شد که به گفته‌ی مخبر کمیسیون "اصلاح" لایحه، پس از این "اصلاح"، دولتی کسردن "نام بی‌مسئوبی پیش نبود و به ناکزیر عنوان آن به "نمونه اجرای بازرگانی خارجی" تغییر یافت. با این مصوبه مجلس در آخرین روزهای خود، لکه ننگ دیگری بر کارنامه بی‌افتخار و ضد مردمی خود افزود.

مصوبات مجلس در زمینه آزادی‌های سیاسی و اجتماعی کارنامه آن را سیاه‌تر ساخت. قانون فعالیت

سرمایه‌داری، زیر عنوان عدم انطباق با موازین شرعی رد شد و مجلس در بررسی مجدد خود، آنها را مطابق سلیقه شورای نگهبان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان "اصلاح" کرد. گاهی انتقال بعضی از لوايح میان شورای نگهبان و مجلس آتقدر تکرار می‌شد تا عاقبت قانونی که به طور کامل در جهت تأمین منافع سرمایه‌داران و زمین‌داران و پایمال کننده مطلق حقوق زحمتکشان بود، به تصویب می‌رسید.

اگرچه در ابتداء اکثریت مجلس در مقابل شورای نگهبان از خود مقاومت نشان می‌داد و چندین بار نیز تلاش کرد با استناد به ضرورت و استفاده از احکام ثانویه از "دالان بهشت" عبور کند، اما با چرخش مجموعه حاکمیت به راست و به ویژه با نطق بالاترین مقام رهبری جمهوری اسلامی در بهمن ۶۱ که در مقابل نمایندگان مجلس ایراد شد، قوه مقننه پیش از بدیل شدن در این نطق به مجلس حکم شد:

"باید کاری کنید که اضطرار را شورای نگهبان قبول کند".

از سوی دیگر آن تعداد قوانینی که در اثر خواست قاطعانه و فشار مردم و نیروهای بی‌گیر انقلابی، به نحوی از انحاء مهر و نشان تأمین نیازهای توده‌های محروم را بر خود دارند (نظیر قانون ارضی شهری) چنان در محاق تدوین آیین‌نامه اجرایی و افتادند که هیچ‌گاه به مرحله اجرا در نیامدند و مجلس نیز در مقابل عدم اجرای آنها هیچ‌گونه عکس‌الصحنی از خود نشان نداد.

بررسی تک تک این قوانین نظیر قانون اصلاحات ارضی، قانون ملی کردن تجارت خارجی، قانون ارضی شهری، قانون روابط موجر و مستأجر، قانون توزیع عادلانه آب، قانون معادن، قانون معاملات مسکن، قانون بازسازی، قانون فعالیت احزاب و گروه‌ها و... که به موقع خود از سوی حزب توده ایران به طور مشروح انجام گرفت، نشان می‌دهد که به جز پایمال کردن دواصل مهم انقلاب، یعنی عدالت اجتماعی و آزادی که مورد تقاضای توده‌های ده‌ها میلیونی میهن‌ماست، نام دیگری

تاریخ ایران برعهده گرفته‌اند. آنها با این اکثریت می‌توانند برنامه خود را پیاده کنند... این برنامه تا کنون به مردم ارائه نشده است. اکثریت نمایندگان که به مجلس رفته اند جز دفاع کلی از اسلام، درباره هیچ یک از مسائل اساسی انقلاب ایران نظر خود را روشن نگفته‌اند..."

حزب توده ایران با در نظر گرفتن ترکیب نمایندگان مجلس اول، ضمن پیش‌بینی اینکه:

"نبرد سیاسی که تا کنون در عرصه اجتماع و در درون نهادهای حکومت انقلابی جریان داشته و دارد، از این پس به مجلس شورای ملی نیز منتقل می‌شود" اعلام کرد:

"بدون تردید نخستین مجلس شورای ملی با این ترکیب، در انجام وظایف انقلابی خود با دشواری‌های بزرگی روبرو خواهد شد".

فعالیت چهار ساله مجلس شورا، صحت ارزیابی‌های حزب توده ایران را نشان می‌دهد.

با آغاز فعالیت مجلس، نبرد سیاسی‌ای که در جامعه جریان داشت، با شدت و وضوح بیشتری به آنجا منتقل شد.

مجلس شورای اسلامی به جای تصویب قوانین در خدمت خلق، حتی پس از "یک دست شدن" حاکمیت و در اختیار گرفتن کلیه ارگان‌های حکومتی توسط حاکمیتی که خود را "پیزوامام" اعلام می‌کرد، عمدتاً جز طرح‌ها و لایحه‌هایی در امور قصاص و قوانین مربوط به چگونگی قطع دست، پریدن گوش، کوز کردن چشم، سنگسار کردن و اشکال عقب‌مانده و قرون وسطایی از این مجلس بیرون نیامد. بخش دیگر مصوبات مجلس به اسانامه یا نحوه اداره و فعالیت این یا آن سازمان یا انجمن اسلامی یا ارگان دولتی مربوط می‌شد که هیچ‌گونه پیوند جدی و مهمی با زندگی مردم نداشت.

در این میان تنها معدودی از قوانین که شمار آن‌ها به تعداد انگشتان دو دست هم نمی‌رسید، از جمله قوانینی بودند که به مشکلات اقتصادی - اجتماعی مردم و کشور، آنها به صورتی "نیم‌بند" می‌پرداختند. تازه این قوانین، با وجود نیم بند بودن، همواره از سوی شورای نگهبان

مقدم خرداد ماه امسال، فعالیت اولین دوره مجلس شورای اسلامی پایان یافت و دومین دوره مجلس آغاز به کار کرد. مطالعه دقیق عملکرد چهار ساله مجلس اول نشان می‌دهد، راهی که مجلس طی این چهار سال پیمود، جدا از رویدادهایی که بر مجموعه انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی بهمن ۵۷ رفته است، نیست. کارنامه مجلس شورا به مثابه ارگان قانونگذاری جمهوری اسلامی نشان می‌دهد، این نهاد نه تنها به وظایف اصلی خود، یعنی تدوین و تصویب قوانین قابل اجرا در چهارچوب قوانین و روح مردمی در قانون اساسی بر مبنای نیاز تکامل جامعه و خواست توده مردم انقلابی و بر سر کار آوردن دولت قادر به اجرای انقلابی آنها عمل نکرده است، بلکه با تصویب قوانینی که به نفع غارتگران و بر ضد زحمتکشان جامعه بوده، نقش مهمی در تقویت قانونی ارتجاع حاکم بر کشور بازی کرد.

حزب توده ایران در آستانه تشکیل مجلس اول و پس از پایان گرفتن انتخابات آن نظرات خود را طی اظهاریه کمیته مرکزی بیان داشت. حزب توده ایران در زمینه وظایف این مجلس اعلام کرد:

"نخستین مجلس شورای ملی، وظایف ویژه‌ای دارد که به مراتب از وظایف عادی روزمره آن فراتر می‌رود. این مجلس باید انقلاب نیبه تمام ایران را موافق آرزوها و نیازها و خواست‌های توده مردم و تکامل جامعه به پایان رساند و راه بازگشت را بر سلطه امپریالیسم و استبداد ببندد".

اظهاریه کمیته مرکزی حزب توده ایران در مورد چگونگی برگزاری انتخابات، ترکیب مجلس و برنامه آتی آن تصریح می‌کرد:

"به هر صورت اینک، انتخابات به پایان رسید و کسانی که می‌خواستند زمام امور مجلس شورای ملی را به طور کامل در دست داشته باشند، به هدف خود رسیده‌اند... حزب جمهوری اسلامی و موافقین آن ("ائتلاف بزرگ") با انتخاباتی که انجام داده‌اند و اکثریتی که در مجلس به دست آورده‌اند، مسئولیت سنگینی در برابر مردم و در برابر

تفسیری از روزنامه ایزوستیا:

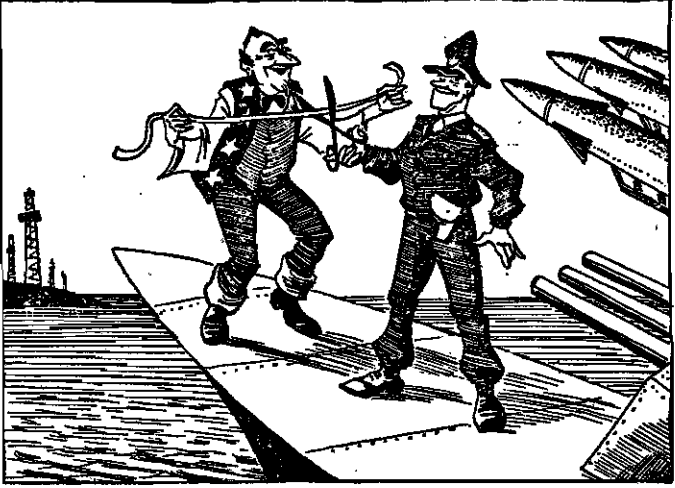
وضع بحرانی در خلیج فارس

بقیه از صفحه ۱
خلیج فارس، تمام راه های دریایی منطقه را در خطر ناامنی قرار خواهد داد.

جانشین نخست وزیر عراق از جانب دیگر اظهار داشت:

"محاصره اقتصادی ایران ادامه خواهد یافت" و "تصمیم عراق مبنی بر فلج کردن ارتباطات اقتصادی ایران و صدور نفت این کشور پابرجاست".

واقعیات مربوط به این وضع یفرنج چنین است؛ وضعی که گره آن پیوسته کورتر می شود. هیچ یک از دو طرف شرکت کننده در این جنگ برادر کشی نه تنها نصیبی نمی برند، بلکه پیوسته ضایعات عظیم تری را متحمل می شوند. . . . در عین حال مشاهده می شود، محافل امپریالیستی که بر بازارهای مواد خام تسلط دارند برآند دست های خود را با آتشی که در خلیج



واینک کشتی رانی آزاد در خلیج فارس را افتتاح می کنیم. (از پروادا)

انگلستان بیش از دیگران در این زمینه آمادگی از خود نشان داده است. به این جهت واشنگتن یک هیأت ویژه به لندن فرستاده تا در باره تدارک این اقدامات مشترک گفتگو کنند.

جمله پردازی پیرامون "دفاع از کشتی رانی آزاد" از زبان کسانی که با دست خود زیر فرمانی را امضا کردند که به سی. آی. ای. مأموریت می داد آبهای ساحلی نیکاراگوئه را مین گذاری کند بی شرمی فوق العاده ای است! کسانی که حتی از پذیرفتن تصمیم دیوان داوری لاهه در این باره که سیاست راهزنانه ایالات متحده آمریکا محکوم می کرد و خواستار رعایت حقوق بین المللی از واشنگتن بوده، امتناع کردند.

همه می دانند واشنگتن چه کوشش های مه چانه ای به عمل آورد تا کشورهای خلیج فارس را زیر شعارهای استراتژیکی خود متحد سازد، آن هم به صورت تشکیل یک بلوک ضد شوروی و ضد کمونیستی! دولت آمریکا با به حرکت درآوردن چماق "خطر شوروی" کوشید دولت های این منطقه را وادارد پایگاه استقرار نیروهای "اقدام سریع" در اختیارش قرار دهند.

اکنون واشنگتن در صدد است از حاد شدن اوضاع استفاده کند و به این هدف خود در خلیج فارس دست یابد. تصور می رود در آینده جریان حوادث در خلیج فارس تا اندازه زیادی به این امر وابسته است که آیا طرف های درگیر، یعنی ایران و عراق قادرند از عملیاتی که می توانند وضع را بدتر کند و به نظامیان آمریکایی بهانه دهد که در امور منطقه با هدف های امپریالیستی و توسعه طلبانه دخالت کنند، اجتناب نمایند یا نه! از دیدگاه ما این مسئله هم کم اهمیت نیست که دولت های منطقه تا چه اندازه می توانند در برابر چنگ اندازی های واشنگتن مقاومت کنند.

آزادی کشتی رانی در همه جا باید رعایت شود. اما نه به وسیله متمرکز کردن نیروهای عظیم دریایی که اکنون ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس در کار آنست. این گونه اقدامات به دنبال خود پیامدهای جدی (حتی برای مبتکران مشی نظامی گریانه آمریکا) به بار خواهد آورد.

پایگاه هایی برای مستقر کردن نیروهای هوایی آمریکا در ارتباط با بخرنج شدن اوضاع خلیج فارس در اختیارش بگذارد. کاخ سفید استفاده از نیروی نظامی خود را برای زیر نظر گرفتن آسمان خلیج فارس بعید نمی داند.

هیوز، نماینده وزارت خارجه آمریکا در ارتباط با این حوادث گفت:

"منطقه خلیج فارس برای ما منطقه منافع حیاتی است".
آمریکائیان تنها ۸٪ نفت وارداتی خود را از خلیج فارس دریافت می کنند. این رقم برای آلمان فدرال ۲۰٪، ایتالیا تقریباً ۵۰٪ و ژاپن ۶۵٪ است. اما درست در واشنگتن در بوق "منافع حیاتی آمریکا" می دمند.

آمریکا در صدد است به کمک این جمله پردازی ها در خلیج فارس، پایگاه هایی برای نیروی دریایی و هوایی خود به دست آورد و سیاست توسعه طلبی جهانی خویش را تحکیم بپوشد.

این تلاش ها تا کنون برای واشنگتن نتایج لازم را به بار نیاورده است. اما فشار از آن سوی اقیانوس کاهش نمی یابد. ستادهای ناتو هم در این اوضاع و احوال، مانند همیشه فعال شده اند. آمریکا به متحدان خود فشار می آورد اقدامات مشترکی در خلیج فارس انجام دهند. موافق آنچه مطبوعات غربی می نویسند؛

فارس شعله ورتر می شود گرم کنند. ۲۱ ماه مه ریگان، رییس جمهور آمریکا از عربستان سعودی خواست

رونالد ریگان سرکرده تروریست ها

گیرند و در صورت لزوم با کاربرد نیروی قهر سرکوب گردند. حتی ویلیام بوستر رییس اف. بی. آی. در کنفره گفته است برای مبارزه با تروریسم در آمریکا قوانین موجود کاملاً کافیست و اعمال تروریستی در آمریکا مسئله به خصوصی نیست. اما ریگان اندیشه های دیگری درس دارد. او می خواهد شکار "جادوگران" را آغاز کند و از روی "احتیاط" همه دگراندیشان را به اردوگاه ها روانه کند.

هیستری "تروریسم" در خدمت دولت آمریکا قرار گرفته تا ایجاد اردوگاه های زندانیان، برای شهروندان آمریکایی و غیر آمریکایی را که در جستجوی کار به این کشور آمده اند توجیه و تبرئه کند. رونالد ریگان برای مبارزه با "تروریسم" خود به صورت سرکرده تروریست ها درآمد است.

روزنامه "دیلی ورلد" ارکان مرکزی حزب کمونیست آمریکا، اخیراً اطلاع داد؛ روز سوم آوریل، ریگان سندی را امضا کرد که موافق آن اجازه داده می شود "ضربت پیشگیرانه" علیه تمام آن گروه ها و اشخاصی که احتمالاً می توانند دست به اعمال "تروریستی" بزنند وارد آید. دو روز بعد، سندی به امضای ریگان رسید که به موجب آن باید ده اردوگاه بزرگ به ظرفیت ۲۰۰ هزار نفر در محوطه های پایگاه های نظامی آمریکا برای زندانی کردن اعضای گروه هایی که دست زدن به "تروریسم" از جانب آنها محتمل است ایجاد گردد. روز ۲۶ آوریل، رییس جمهور طرح قانون "ضد تروریسم" را به کنفره تسلیم کرد مفاد این طرح اجازه می دهد تمام گروه ها و فراکسیون ها و اشخاص مشکوک زیر نظارت مخفی قرار

مرکز بر امپریالیسم جهانخواه آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

در هفته ای که گذشت:

تدارک دور جدید جنگ در سالروز فتح خرمشهر

سوم خرداد امسال، ۲ سال از آزادی خرمشهر گذشت. در این روز خرمشهر که با آغاز جنگ ایران و عراق به تصرف قوای متجاوز درآمده بود، با فداکاری و پایمردی زحمتکشان قهرمان ایران آزاد شد. حماسه آزادی خرمشهر، حماسه جانپنازی خالصانه مردمی بود که در راه آماج‌های انقلاب از هیچ ایثاری فروگذار نکردند. حماسه آزادی خرمشهر، حماسه فداکاری‌های فرزندان خلق و فرماندهان قهرمانی چون رفیق شهید سرهنگ کبیری بود که به فرمان انقلاب، مردم و حزب به دفاع از میهن انقلابی برخاسته بودند.

رفیق شهید کبیری که به دست رهبری خائن جمهوری اسلامی به دلیل دفاع از آماج‌های انقلاب به جوخه‌های اعدام سپرده شد، به همراه فرماندهان دیگر عملیات آزادسازی خرمشهر را رهبری می‌کرد.

پیروزی خرمشهر که ثمر تلاش خستگی ناپذیر مردم قهرمان ایران بود، امید پایان جنگ بی‌ثمر ایران و عراق را در دل آنان برانگیخت. با فتح خرمشهر نیروهای عراقی در اکثریت مناطق به پشت مرزها رانده شدند و مردم انتظار داشتند با استفاده از موفقیت بسیار مناسب سیاسی، نظامی و تبلیغاتی که به همت رزمندگان مردمی به دست آمده بود، صلح عادلانه میان ایران و عراق برقرار شود و به جنگی که ادامه آن جز به سود امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع درون هر دو کشور نبوده، خاتمه داده شود. اما حاکمیت خائن جمهوری اسلامی راه ادامه جنگ تا مسخ کامل انقلاب و پیروزی ضدانقلاب را در پیش گرفت.

امسال، سال روز فتح خرمشهر در شرایطی فرا می‌رسد که جنگ ابعاد وسیعی پیدا کرده و تشدید بحران خلیج فارس و وخامت اوضاع منطقه را که در خدمت مستقیم اجرای نقشه‌های امپریالیسم آمریکا جهت قبضه کامل نظامی خلیج فارس است، دامن زده است. در این شرایط حاکم جمهوری اسلامی نه تنها با هرگونه پیشنهاد و ابتکار صلح مخالفت می‌کند، بلکه تدارکات نظامی، سیاسی و تبلیغاتی تازه ای برای دور جدید جنگ و ناپودی هزاران تن از زحمتکشان دو کشور را، آغاز کرده است.

دزدی از مال جنگ زدگان

"راه توده" طبق گزارشات رسیده از ایران، نارضایتی گسترده هم وطنان جنگ زده میهن مان را

در صفحات خود منتشر ساخته است. این مردم رنج‌دیده که بیش از ۲ سال و ۸ ماه است در شرایط دشوار و دریده‌وری و ناامنی به سر می‌برند و با مشکلات متعدد اقتصادی و اجتماعی دست به گریبانند، به بهانه‌های مختلف پارها اعتراضات خود را به سیاست ادامه جنگ از سوی جمهوری اسلامی ابراز کرده‌اند. "راه توده" همچنین پارها از سوءاستفاده‌های کلان و دزدی‌ها و اختلاس‌های روسا و مسئولین بنیاد امور جنگ زدگان مرکز و استان‌های مختلف خبرهایی درج کرده است. هفته گذشته، صفاتی دزفولی، نماینده آبادان طی سخنان قبل از دستور خود به گوشه‌ای دیگر از این حقایق اشاره کرد که بی‌نیاز از هرگونه تفسیری است. او در زمینه مسائل جنگ زدگان گفت:

"آثار سوء ناشی از اداره کردن جنگ زدگان کشور، نه تنها با هیچ دگرگونی قابل رفع نیست، بلکه چندین نسل باید بگذرد تا آنها وضع طبیعی خود را بازیابند. وضع بد اسکان جنگ زدگان به خصوص در استان خوزستان نمی‌تواند ببینده را متأثر نکند. شهرک طالقانی در سرپند را در میان کپره‌های گلی و بوی تند فاضلاب که از همه طرف شهرک را احاطه کرده است. شهرک شهید رجایی یکی دیگر از حلبی‌آبادهای بنیاد جنگ زدگان است که در بیابان داغ نزدیک ماهشهر، مردمی مظلوم و فقیر را در خود جای داده است و شهرک وحدت در کنار شهرستان بهبهان هنوز هم مظهر چادرنشینی در گرمای داغ و با این اسناد گویا کسی نیست که از اینان بپرسد شما در عرض چهار سال با صرف میلیاردها تومان بودجه بیت‌المال کدامیک از مسائل اسکان و اشتغال را حل کرده‌اید."

این حقایق که از زبان یکی از نمایندگان وابسته به حاکمیت جمهوری اسلامی بیان می‌شود، شرایط دشوار زندگی هم وطنان جنگ زده و ادعاهای دروغ رژیم جمهوری اسلامی را مبنی بر تأمین امکانات زندگی برای آنان افشاء می‌کند. نماینده آبادان سپس به بیان گوشه کوچکی از سوءاستفاده‌های کلان مسئولین بنیاد امور جنگ زدگان مرکز و سایر استان‌ها می‌پردازد و می‌گوید:

"معاون سابق مالی بنیاد مرکزی که پس از ۱۵ سال کار در وزارت سابق دارایی بازنشسته شده است، علاوه بر حقوق بازنشستگی ماه اول ورود به بنیاد مبلغ بی‌هزار تومان و ماه بعد ۲۲۵۰۰ تومان و ماه‌های بعد به مدت ده ماه ۱۵ هزار تومان حقوق خالص دریافت کرده است.

"این شخص ... یازده فقره اقلام جواهرآلات هدایی مردم مسلمان ساکن لندن را به جنگ زدگان

کشور ... به ثمن پخش و برخلاف قانون فروخته است. معاون مالی سابق بنیاد برخلاف قانون که می‌بایستی جواهرآلات فوق را به بانک مرکزی جهت فروش تحویل می‌داد به یک جواهر فروش مجهول به مبلغ ۲۲۵۰۰ تومان فروخته است.

معاون مالی سابق بنیاد علاوه بر حقوق دریافتی ماهانه، مبلغ ۳۲۵۰۰ تومان، به عنوان ترمیم حقوق پرسنل از صندوق دریافت کرده است که مقدار ده هزار تومان آن را به عنوان حق السکوت به پرسنل داده و مابقی آن را به حساب شخصی خود واریز کرده است."

نماینده آبادان همچنین فاش ساخت که قائم مقام بنیاد جنگ زدگان فارس در زمان طاغوت سرپرست اردوی عمران ملی رامسر بوده است و قائم مقام سابق بنیاد فارس به همراه معاون مالی آن، یک میلیون تومان رشوه‌خواری کرده‌اند و تحت تعقیب نیز قرار نگرفته‌اند.

این سوءاستفاده‌ها و دزدی‌های بزرگ در شرایطی انجام می‌گیرد که هم وطنان جنگ زده مادریدترین شرایط به سر می‌برند. آنان حتی قادر نیستند، کمترین امکانات ضروری بهداشتی را برای خود و فرزندان بی‌گناه خویش فراهم آورند.

"ذبح شرعی"

اصل ۴۴ قانون اساسی!

هفته گذشته، مجلس شورای اسلامی لایحه "دولتی کردن تجارت خارجی" را که مجدداً از سوی شورای نگهبان ارتجاع مغایر با "شرع" شناخته شده بود، بررسی کرد. این لایحه بار اول در اردیبهشت ماه ۱۳۶۱ به تصویب رسید و بلافاصله تحت عنوان مغایرت با "شرع" از سوی شورای نگهبان "وتو" شد.

لایحه "وتو" شده، مجدداً در ماه گذشته توسط کمیسیون، موافق رهنمودهای شورای نگهبان سرمایه‌داری "اصلاح" شد و از تصویب مجلس گذشت. لایحه اصلاح شده با وجود آنکه دو نکته مهم در دولتی کردن تجارت خارجی، یعنی انحصار صدرصد تجارت خارجی توسط دولت و کنترل توزیع داخلی به وسیله آن را نفی کرده بود، ولی از آنجایی که محدودیت‌هایی برای بخش خصوصی از جهت شرکت در بازرگانی خارجی اعمال می‌کرد، مجدداً از سوی شورای نگهبان ارتجاع، مخالف با موازین "شرعی" شناخته و رد شد.

مخبر کمیسیون "اصلاح" لایحه ضمن بیان اینکه "اصلاحیه" قبلی مورد قبول شورای نگهبان واقع نشده در زمینه نظرات این شورای غارتگران گفت:

"چنانچه مباشرت مستقیم و منحصر دولت در کل امور بازرگانی خارجی یا بخشی از آن ضرورت داشته، طبق فرمان حضرت امام مدظله باید به تصویب دولت و ثلث نمایندگان محترم برسد. یعنی حتی بخشی از تجارت خارجی را هم بخواهیم در اختیار

بقیه در صفحه ۱۲

به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

موضع جمهوری دموکراتیک افغانستان نسبت به رژیم های ارتجاعی حاکم بر ایران و پاکستان



می فرستند و نوکران خود یعنی ضدانقلاب افغانستان را با پول و جنگ افزار تجهیز می کنند و به نام "اسلام" برای برادرکشی و قتل مسلمانان به سوی افغانستان روانه می سازند.

تا دیروز محافل ارتجاعی ایران فریاد می کشیدند "نه شرقی، نه غربی" اما امروز می بینیم که چهره خویش را از خاور که خورشید آزادی از آنجا طلوع می کند برمی گردانند و به غرب روی می آورند. آنان سیاست ضدیت با انقلاب افغانستان را در پیش گرفته اند و در هم آهنکی با امپریالیسم آمریکا به سیاست مداخله گرانه و تجاویزی علیه افغانستان متوسل شده اند.

با ناامنی و خطر جنگ رویرو کرده است. رژیم نظامی پاکستان با سلاح های مرکب از خود از یک سو هندوستان و از سوی دیگر افغانستان را مورد تهدید قرار داده است.

سپس رفیق کارمل پیرش زیر رادر برابر ضیاء الحق قرارداد:

شما چگونه، با کمک کدام عوامل از چه راه های قانونی و با کدام انتخابات، قدرت را در دست گرفته اید؟ چگونه رژیمی که قانون اساسی را پایمال و استبداد و تشییق را بر مردم پاکستان تحمیل کرده می تواند به مردم سرافراز، میهن دوست و آزادی دوست افغانستان امر و نهی کند؟

در مورد سیاست های خصمانه محافل ارتجاعی ایران رفیق کارمل گفت:

ما می شویم که محافل ارتجاعی راستگرا در ایران می گویند "انقلاب" خود را به افغانستان صادر خواهند کرد. آنان این مطلب را حتی در خطوط اساسی سیاست خارجی و در اسناد رسمی خود گنجانیده اند. آنان هم مانند رژیم پاکستان به نام "اسلام" علیه خلق خود و خلق های عرب مبارزه می کنند. امروزه این محافل ارتجاعی کودکان ۱۲، ۱۳ و ۱۴ ساله را به جبهه های جنگ با عراق

ارتجاع و امپریالیسم هستیم. ما همچنین در کنار خلق پاکستان قرار داریم، خلقی که علیه استبداد و خشونت محافل حاکم پرکشور که وابسته به امپریالیسم آمریکا هستند و خود را تا دندان مسلح می کنند، می رزمند.

رفیق کارمل در مورد سروصدای گوش خراش محافل ارتجاعی و امپریالیستی پیرامون افغانی هایی که بر اثر تبلیغات مسموم دشمنان و دلایلی دیگری به پاکستان و ایران رفته اند بار دیگر یاد آور شد؛ درهای میهن، یعنی افغانستان انقلابی به روی تمام آن هموطنانی که مخالف انقلاب، آزادی و استقلال کشور نیستند، باز است.

در باره حکومت نظامی پاکستان رفیق کارمل یاد آور شد:

ماتا به حال روی این مسئله تکیه نکرده ایم که ضیاء الحق توسط یک کودتای نظامی روی کار آمده و ذوالفقار علی بوتو، رئیس جمهور برگزیده قانونی مردم پاکستان را به امر امپریالیسم آمریکا و سازمان های جاسوسی اش به قتل رسانده است. این رژیم اکنون هم متحد ایالت متحده آمریکا و برتری طلبان چینی است و منطقه را

رفیق پیرک کارمل، دبیر کل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان طی سخنرانی مرسوم طی که روز اول ماه مه در برابر اجتماع عظیم کارگران و زحمتکشان کابل ایراد کرد از جمله به مسئله مناسبات با پاکستان و ایران پرداخت و گفت:

میان خلق افغانستان و زحمتکشان پاکستان و ایران و همچنین کشورهای دیگر اختلافی وجود ندارد. او بار دیگر بر همبستگی برادرانه میان خلق افغانستان و خلق های پاکستان و ایران تأکید کرد.

رفیق کارمل سپس افزود: گروه نظامیان حاکم بر پاکستان علیه خلق افغانستان و همچنین سرزمین و انقلابش دست به تحریکات گوناگون می زنند. اختلاف اصلی ما با این رژیم آنست که نظامیان حاکم بر پاکستان در جهت حل مسالمت آمیز مشکلات افغانستان کارشکنی می کنند. اختلافات مشابهی نیز میان ما و محافل ارتجاعی حاکم بر ایران وجود دارد. آنها نمی خواهند مسائل را پشت میز مذاکره حل کنند.

ما از انقلاب ایران از همان آغاز پشتیبانی کردیم. ما اکنون پشتیبان پیکار مردم ایران علیه

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

دولت قرار دیمیم باز هم باید طبق ضرورت باشد و این اشکال شورای نگهبان است" (کیهان - ۱ خرداد).

بدین ترتیب ماده ۴ این لایحه که ورود "کالاهای را که نقش اساسی و حیاتی در زندگی مردم یا اکثریت مردم داشت"، در انحصار دولت قرار می داد، باید حذف می شد. اگرچه بعضی از نمایندگان با این "اصلاحیه" جدید مخالفت کردند، اما اکثریت مجلس مطابق توصیه مجید انصاری نماینده زرنند کرمان، مبنی بر اینکه "ما بایستی نظر شورای نگهبان را در اصلاحیه بپذیریم" حذف آن و همچنین دیگر "اصلاحات" جدید را تصویب کردند.

بر طبق مصوبه جدید، بخش دولتی نه تنها در زمینه ورود کالا از خارج هیچ تفاوتی با بخش خصوصی ندارد، و بالاتر از آن نقش کارگزار بخش خصوصی را نیز بازی می کند، بلکه دولت "مستضعفان" همه ساله باید ارز لازم جهت ورود کالا را نیز به تجار

توجه به آن حد وابستگی سران رژیم را مشخص می کند.

این روزنامه با ارائه توضیحات مختصری در مورد تاریخ تشکیل این پیمان و به اصطلاح وظایف "سودمند" فنی، بانکی و اقتصادی آن، کوشیده این واقعیت را که "پیمان عمران منطقه ای" شعبه ای از پیمان نظامی و امپریالیستی سنتز شده است، پنهان کند. روزنامه جمهوری اسلامی در پایان پاسخ خود، در مورد احیاء این پیمان می نویسد:

"سازمان عمران منطقه ای، دبیرخانه ای دارد که مرکز آن در تهران است و دبیر کل برای مدت چهار سال به ترتیب حرف الفبا (ایران - پاکستان - ترکیه) انتخاب می گردد. انقلاب اسلامی ایران و پیامدهای آن تا مدتی عضویت جمهوری اسلامی ایران را در سازمان مزبور به حالت تعلیق درآورد. اما این روابط به سرعت تجدید شد و میادلات سنگین اقتصادی و بازرگانی و تجاری دولت ترکیه با جمهوری اسلامی ایران که افزایش بی سابقه ای یافته است و همچنین روابط اقتصادی ایران و پاکستان در چارچوب همین قرارداد صورت می گیرد."

محترم و "استوانه های انقلاب" اختصاص دهد. این اصلاحیه چنان تفاوت فاحشی با موضوع دولتی کردن تجارت خارجی داشت که نام لایحه به "نحوه فعالیت در انجام بازرگانی خارجی" تغییر یافت و به قول معروف آتش چنان شور بود که خان هم فهمید.

تصویب این قانون، پایمال کردن آشکار اصل ۴۴ قانون اساسی است. ولی از آنجایی که منافع ولی نعمت های رهبران جمهوری اسلامی، یعنی سرمایه داران بازار را تأمین می کند، شورای نگهبان هیچ مسئله خلاف "شرعی" در آن نمی بیند.

واقعیت "پیمان عمران منطقه ای" به روایت روزنامه جمهوری اسلامی

"راه توده" بارها سیاست جمهوری اسلامی رادر جهت احیاء "پیمان عمران منطقه ای" به همراه دولت های وابسته و آمریکایی ترکیه و پاکستان، افشاء کرده است. روزنامه جمهوری اسلامی که سخنگوی حاکمیت ایران است، در شماره ۲۴ اردیبهشت خود، در بخش "پاسخ به سئوالات سیاسی" ما توضیحات خود افشاکاری در مورد این پیمان و احیاء آن منتشر کرده است که

کودکان و سوسیالیسم

میلیون کودکی به کودکان می‌روند. بیش از ۹۰ درصد کودکان در جمهوری دموکراتیک آلمان تحت پوشش کودکان‌های دولتی قرار دارند. در کودکان‌های کشورهای سوسیالیستی، مریدان دوره دیده و ورزیده به رشد همه جانبه کودکان یاری می‌رسانند. در این کشورها تحصیل تا پایان دانشگاه رایگان است. وسایل ورزش، شطرنج، کتابخانه در گوشه و کنار هر شهر در دسترس کودکان و نوجوانان قرار دارد.

مسئله تربیت و استراحت و تفریح کودکان در کشورهای سوسیالیستی از اهمیت خاصی برخوردار است. تعداد زیادی کلوب به استراحت کودکان و نونهالان اختصاص دارد و هر سال بر تعداد استراحتگاه‌های مادران و کودکان افزوده می‌گردد. دولت کوشش دارد کودکان تعطیلات خود را در خارج از شهرها در اردو و های ویزه استراحت در مناطق خوش آب و هوا و در کنار دریاچه‌ها بگذرانند. در سال گذشته ۱۵ میلیون کودک در اتحاد شوروی در ییلاق‌های ویژه دانش‌آموزان که متعلق به اتحادیه‌هاست به صورت جمعی به استراحت و تفریح پرداختند. این اردو های استراحت که ترکیبی از تفریح و شرکت در کارهای اجتماعی است، آنان را برای شرکت در اداره امور جامعه آماده می‌کند. علاوه بر آن مادرانی که فرزندان خردسال یا چندین فرزند دارند از مزایای بیشتری برخوردار می‌گردند. فقط در چند سال اخیر، واگذاری مرخصی به مادران شاغل به مناسبت تولد نوزاد تا یک سالگی فرزند و پرداخت بخشی از حقوقشان محمول شده و بر میزان مساعده‌ها به این مناسبت افزوده شده است.

در جهان سوسیالیستی نیازهای روزمره مردم روبه افزایش است و امکانات نیز متناسب با آن افزایش می‌یابد.

در کشورهای سوسیالیستی با تکیه بر پایگاه واقعی تضمین شده، حداکثر کوشش برای تأمین زندگی سعادت مند و با نشاط برای همه کودکان صورت می‌گیرد و پایه اجتماعی این کار به موازات رشد اقتصادی کشورهای سوسیالیستی همواره ارتقاء می‌یابد.

وضعیت ناپسامان، سرشار از محرومیت و غیرطبیعی اکثریت مطلق کودکان در جوامع سرمایه‌داری، در مقایسه با شرایط آنان در کشورهای سوسیالیستی، برجستگی خاصی می‌یابد. این واقعیتی است که تنها در نظام عادلانه سوسیالیسم، در جوامع فارغ از بهره‌کشی است که برای شکوفایی و رشد شخصیت کودکان شرایط ضروری فراهم می‌آید. بیهوده نیست که کشورهای سوسیالیستی به "بهشت کودکان" معروف شده‌اند.

در اتحاد شوروی، پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در سال ۱۹۱۷، بنیان‌های مادی برای دفاع از حقوق کودک تقویت شد. جمهوری نوپای شوروی با وجود آنکه با ضدانقلاب داخلی و مداخله امپریالیسم از خارج روبرو بود، بخشی از بودجه ناچیز خود را به ایجاد پایه‌های آموزش همگانی و حفاظت از مادر و کودک اختصاص داد. با اجرای برنامه دقیق و استمداد از نیروی خلق‌ها در سال‌های اول انقلاب بی‌سوادی ریشه کن شد. تنها در جمهوری آذربایجان، تعداد دانش‌آموزان از ۷۲۶۰۰ نفر در سال‌های ۱۹۱۵-۱۹۱۴ به ۲ میلیون ۱۱۳ هزار نفر در سال ۱۹۷۵ رسید.

مواظبت از کودک در اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، مدتی قبل از تولد آغاز می‌شود. تمام معاینات پزشکی مادر و کودک قبل و پس از زایمان و تولد، نظارت بر سلامتی کودک و مایه کوبی به صورت رایگان و از بودجه دولتی تأمین می‌شود. در اثر مراقبت‌های پزشکی و بهبود شرایط رفاهی خانواده‌ها، مرگ و میر نوزادان کشورهای سوسیالیستی به طرز چشم‌گیری کاهش یافته است. در بلغارستان مرگ و میر نوزادان (تا یک ساله) ۱۳۸/۹٪ در هزار، در سال ۱۳۱۸ به ۲۲/۸٪ در هزار در سال ۱۳۵۶ کاهش یافته است.

در کشورهای سوسیالیستی در کنار هر موسسه و کارخانه، مهد کودک و شیرخوارگاه رایگان وجود دارد. بخش اعظم مخارج شیرخوارگاه‌ها، مهد کودک‌ها و کودکان‌ها از بودجه دولتی تأمین می‌شود و تنها بخش ناچیزی از آن را والدین پرداخت می‌کنند. در اتحاد شوروی بیش از ۱۵

سرنوشت غم‌انگیز کودکان در جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۸

فنی دارد و حرکت آن خطرناک است، اما چون راننده برگ معاینه دارد، به احترام آن دست روی دست می‌گذارند و کاری نمی‌کنند!



در چنین اوضاع و احوالی است که "سینار هفته بهداشت کودکان" با حضور و سخنان رییس جمهوری در تهران برگزار می‌شود. رییس جمهوری به قول معروف بازم "بالا بالا می‌نشینند و حرف‌های گنده گنده" می‌زند. از "ابردردت‌ها" سخن می‌گوید و به سلاح‌های شیمیایی گریز می‌زند، اما به این موضوع که زعمای جمهوری اسلامی کودکان و نوجوانان را گروه گروه جلو گلوله می‌فرستند و در عرصه جنگ قربانی می‌کنند، نمی‌پردازد و از آن سخن نمی‌گوید.

رییس جمهوری برای خاک ریختن به چشم زحمتکشان می‌گوید: "مسئله کودکان، مسئله مهمی است و سلامت کودکان سرمایه آینده کشور محسوب می‌شود..."

وی مرگ زودرس نوجوانان را به خاطر اهداف توسعه طلبانه حاکمیت خائن فراموش می‌کند و ادایه می‌دهد:

"... کودک میری که یکی از پلاهای دردناک جوامع محروم و عقب نگهداشته شده است، در جامعه ما باید کم شود و کودکان ما سالم بمانند تا در آینده نسلی با کارایی لازم و توانایی کافی داشته باشیم..."

وی با اشاره به دوران ستم‌شاهی به منظور سوءاستفاده از نفرت زحمتکشان از این دوران مدعی می‌شود:

"... اگر کودکان ما در طول سال‌های ستم که هنوز هم... مورد تهاجم انواع بیماری‌ها قرار می‌گرفته‌اند، در محیط اجتماعی و خانوادگی آنان فضای شایسته‌ای وجود نداشته است" (کیهان - ۱۹/۱/۶۲).

باید از آقای رییس جمهوری و همکارانشان پرسید که شما در طول این پنج سال برای رفع آن ستم و آن تهاجم و آن ناشایستگی محیط اجتماعی و خانوادگی چه کرده‌اید؟

جز آن که جنگ توسعه طلبانه و بی‌سرانجام را دلولیت قرارداد آید و ده‌ها هزار تن، از جمله هزاران کودک و نوجوان را قربانی آن کرده‌اید و با قربانی کردن هزاران پدر و مادر، کودکان بسیاری را بی‌سرپرست و محروم از کانون خانواده به جا گذاشته‌اید؟ یا چنان محیط ناآرام و متشنج عصبی به وجود آورده‌اید که در آن پدری تاب شیطنت‌های فرزندانش را نمی‌آورد و آن‌ها را می‌کشد! کودکان اگر هم خوش اقبال باشند و دچار حوادث غیرمنتظره نشوند یا از آن حوادث جان سالم به‌در ببرند، باز هم والدین خود، دچار فقر مادی، فقر فرهنگی، بیماری، و آینده‌ای بجهنم و سرنوشتی مجهول خواهند بود.

در سینار یاد شده "پزشکان علل مرگ و میر کودکان کم‌تر از ۵ سال را به دو عامل مهم سوءتغذیه و بیماری‌های عفونی تقسیم کرده‌اند. هه ساله ۲۲ هزار کودک کم‌تر از یک سال در ایران... به علت بیماری و سوءتغذیه جان خود را از دست می‌دهند... سوءتغذیه، عدم رعایت نکات بهداشتی (بخوانید: عدم امکان رعایت مسائل بهداشتی) نبود آب سالم و قابل شرب، اختلالات دوران بارداری و... در روستاها و شهرهای دورافتاده (و در واقع حتی در شهرهای بزرگ و پایتخت کشور) دام بیماری و مرگ را برای نوزادان و کودکان می‌گستراند." (کیهان - ۲۲/۱/۶۲)

گناه بیماری و سوءتغذیه مادران و نوزادان و کودکان به گردن کیست؟ آیا به گردن رژیمی نیست که چنان اسیر دست سرمایه‌داران است که حتی حاضر نیست به زنان کارگر دوسه‌ماه مرخصی خشک و خالی قبل و بعد از زایمان بدهد. گناه نبودن آب قابل شرب و نبودن غذای کافی برای مادران و کودکان به گردن کیست؟ بی‌شک برگردن رژیم مدافع سرمایه‌داران و غارتگران که به جای هر کار دیگر، تنها به گذاشتن تنور جنگ می‌یزدازد و خون مردم ایران، از بزرگ و کوچک در آن برای سرمایه‌داران به طلا مبدل می‌سازد.

هدف؛ قربانی کردن توده‌های هاست

بقیه از صفحه ۱

از توده‌های ما را از عرصه بیکار و فعالیت شریبخش و آغوش خانواده‌های خود دزدیدند و به دخمه‌های دهشتناک شکنجه‌گاه‌های رژیم تبعید کردند.

مضمون مصاحبات کارگزاران و رهبران رژیم، پس از این یورش افسارگسیخته، اطمینان بخشی به مردم معترض و افکار عمومی پرانگیخته و خشمگین جهان در خصوص داشتن "اسناد و مدارک غیرقابل انکار" بود. آنان اعلام می‌کردند:

"از نظر جرم قضایی، این افراد بر اساس اعترافاتشان و مدارک موجود بزرگ‌ترین جرم را مرتکب شده‌اند" (اردبیلی - جمهوری اسلامی ۱۸ اردیبهشت ۶۲).

"حزب توده (ایران) ... سعی می‌کرد به اطلاعات اقتصادی، سیاسی و نظامی کشور دست یابد ... هم اکنون ما دستگاه‌های جاسوسی از این حزب به دست آورده‌ایم" (رضایی - اطلاعات ۲۲ اردیبهشت ۶۲).

"... در تکذیب اتهامات جعله نکنند. ما مدارک غیرقابل انکار در دست داریم" (رفسنجانی - نواز جمعه).

افکار عمومی مردم ایران و جهان با اینکه سردمداران جمهوری اسلامی را بی‌"تقوا" تر از آن می‌شناسند که ادعای می‌کنند، در انتظار بودند برگی از این "مدارک غیرقابل انکار" و بخشی از آن "دستگاه‌های جاسوسی" در جریان محاکمات فرمایشی و ضدقانونی و ضدانسانی توده‌های در بند به نمایش درآید. این انتظاره تنها برآورده نشد، بلکه سردمداران رژیم از حضور نمایندگان محافظ و سازمان‌های بین‌المللی، پزشکان، حقوق‌دانان و خبرنگاران داخلی و خارجی در این بیدادگاه‌ها نیز جلوگیری کردند. با این حال موج فشار و اعتراضات به حق نیروهای مترقی جهان و مردم ایران گسترده‌تر از آن بود که سیاست‌گزاران رژیم بی‌هیچ مانعی، تمامی نمایشنامه سیا نوشته سرکوب توده‌ای‌ها را به اجرا درآورند. از این‌رو تقلاب‌های مذبوحانه‌ای در جهت مدرک‌سازی و سند تراشی آغاز شد و

حاصل نامشروع آن در آخرین جلسه بیدادگاهی که در آن چند خبرنگار خارجی نیز راه یافته بودند، "در معرض دید و قضاوت عموم قرار گرفت" ! این داوری، اما با آنچه حکام جمهوری اسلامی پیش‌بینی کرده بودند تفاوت بسیاری داشت، به این دلیل ساده که "دستگاه‌های جاسوسی" و "مدارک غیرقابل انکار" رژیم چیزی جز چند مترسیم و چند خازن چیز دیگری نبود و به هیچ روی امکان نداشت آن‌ها را با دستگاه‌های پیشرفته و پیچیده‌ای که در جاسوس‌خانه آمریکا کشف کردند، قیاس پذیردانت ادره‌مان جلسه دادگاه، خبرگزاری فرانسه پرسید:

"به جز لوازم الکترونیکی و ... که به ما نشان دادید چه مدارک دیگری داشتید؟!"

رئیس دادگاه، مذبوحانه پاسخ داد: "مدرک یا لوازمی که آنها برای کارهای خودشان داشتند، مدارکی که در رابطه با دستگیری این حزب وجود داشت، مدارک اطلاعاتی است که قابل مطرح کردن نیست و این لوازم هم غیر از این لوازم الکترونیکی و اسلحه، ظاهراً چیز دیگری که قابل مطرح کردن باشد نبوده!" (اطلاعات ۲ بهمن ۶۲).

هرچند این اعتراف رسواکننده که سند محکومیت مطلق و ابدی سران قسج ۱۰ است بازم تکرار شد، ولی مانعی نبود که در رویارویی با آن، سردمداران رژیم برپایه "مدارکی که قابل مطرح کردن نیست" بی‌گیرترین پشتیبانان منافع مردمی را به پای محاکمه نکشند و شخصیت و آزادی و زندگی آنان را تیرباران نکنند. با این حال صدای اعتراض مردم مترقی جهان و ایران، حتی کسانی که به گونه‌ای با سیاست‌گزاران در رابطه قرار می‌گیرند، همچنان بلند است.

در آخرین روزهای ماه گذشته، این صدای معترضانه در قالب پرسش‌ها و گفتگوهای بین "میهمانان شرکت کننده در کنگره جهانی ائمه جمعه و جماعات" و رئیس دیوان عالی کشور و نخست وزیر ... برخاست. این

میهمانان همگی از جانب کارگزاران حکومتی دعوت شده بودند و "کمترین وابستگی به شرق" نداشتند. در جلسات این کنگره، سرنگهبان، قوه قضاییه و نخست‌وزیر بارها و بارها ناگزیر شدند در باره جنایات موحشی که در حق توده‌های ما مرتکب شدند توضیح دهند و قساوت و سببیت خود را در اجرای توصیه‌ها و شروط مقبولیت نزد امپریالیسم توجیه کنند. در همین جلسه رئیس قوه قضاییه که تصریح کرد:

"این قوه مستقیماً تحت نظر رهبری و ولایت فقیه کار می‌کند" (اطلاعات ۲۲ اردیبهشت) ناگزیر شد به اعمال و به کارگیری شیوه‌های ترور و شکنجه سیا از جانب دژخیمان جمهوری اسلامی اعتراف کند و نخست‌وزیر که بر عجز مأموران اجرایی رژیم در صحنه پردازای‌ها و تدارک و تهیه "مدرک و سند" صحنه گذاشت، ناچار به همان شیوه‌ها و رسوای در اختیار داشتن سند و مدرک و پرهیز از افشای آن متوسل شد و در پاسخ "میهمانان کنگره" گفت:

"... حزب توده ۴۰ سال سابقه جاسوسی برای شوروی داشت که ما نخواستیم جزئیات بیشتری را افشا کنیم!" (اطلاعات ۱۷ اردیبهشت). زمانی رئیس بیدادگاه‌های نظامی رژیم به منظور سرپوش گذاشتن به جنایات خود و قوه قضاییه اعلام می‌کرد برای حفظ "اسرار امنیتی" از حضور خبرنگاران و نمایندگان حقوقی و نزدیکان "متهمین" در جلسات دادگاه‌های فرمایشی جلوگیری می‌کرد و امروز نخست‌وزیر از افشای "جزئیات بیشتر" پرهیز می‌کند! در واقع، موسوی‌اقرارداد، هدف، قربانی کردن توده‌های ما است! بر باقی مسائل می‌توان چشم بست! واقعیت آنست که نه سند و مدرکی دال بر "جاسوسی" توده‌های ما وجود دارد، نه می‌تواند وجود داشته باشد، نه "حفظ اسرار امنیتی" ملحوظ نظر جلادان رژیم است و نه "جزئیات بیشتری" که نخست‌وزیر از آن‌ها دم می‌زند، همه می‌دانند این بهانه‌ها و دلیل تراشی‌ها تنها تقلابی است برای یافتن چشمه‌ای که رهبران جمهوری اسلامی دست‌های تا مرفق خونین خود را در آن بشویند. غافل از اینکه اثر ننگ و جنایت زوددنی نیست!

منع کار کودکان، خواست به حق مردم ایران

بقیه از صفحه ۱

شناخته شده است. با این حال و با وجود اختناق و فشار در محیط‌های کارگری، زحمتکشان هوشیارانه بر امر منع کار کودکان به عنوان یکی از خواست‌های میهم خود پامی‌فشارند. یکی از کارگران در تنها جلسه‌ای که با حضور کارگران برای بررسی قانون کار پیشنهادی دولت در اسفندماه گذشته برگزار شد، بر ممنوعیت کار کودکان تأکید کرد و گفت:

"اگر قبلاً کارگر ۱۲ ساله، یک کارگر مستقل به حساب می‌آمد و همه گونه مزایای کارگری به وی تعلق می‌گرفت، حالا به موجب این پیش‌نویس، کارگر ۱۲ ساله به عنوان کارآموز وارد کارگاه خواهد شد که مزایای کمتری به او تعلق خواهد گرفت. ما خواستار ممنوعیت کامل اشتغال افراد کم سن و سال هستیم" (کیهان ۷ اسفند).

مبارزه برای افشای سیاست‌های رژیم در بی‌توجهی کامل به حقوق کودکان و نوجوانان و نیز دفاع بی‌گیر از حقوق فرزندان زحمتکشان در شرایط کنونی از اهمیت فراوانی برخوردار است. حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران در این عرصه نیز مانند دیگر عرصه‌های مربوط به زندگی و کار زحمتکشان، چون گذشته و در پیشاپیش همه مبارزه می‌کند، بر شعار "منع کامل کار کودکان و نوجوانان" تأکید دارد.

ناگفته پیداست حل کامل مسئله کار کودکان در تمامی کشورها، تنها در سایه اتخاذ سیاست‌های اجتماعی - اقتصادی در جهت بهبود جدی زندگی توده‌های مردم، برچیدن بساط بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری و استقرار عدالت اجتماعی، زمینه‌های لازم منع کار کودکان و تأمین یک زندگی حداقلی امکان تحصیل برای همه فرزندان میهن ما فراهم می‌آید.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!



دیدار کیم ایل سونگ از اتحاد شوروی

هفته گذشته یک هیأت حزبی و دولتی از جمهوری دمکراتیک خلق کره، تحت رهبری کیم ایل سونگ، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کار کره و رییس جمهوری دمکراتیک خلق کره برای یک دیدار دوستانه از اتحاد شوروی وارد این کشور شد. این دیدار به دعوت رسمی کمیته مرکزی حزب کمونیست و شورای وزیران اتحاد شوروی انجام گرفت. در ضیافت شامی که به افتخار میهمانان کره ای برپا شد، کنستانتین چرنکو و کیم ایل سونگ سخنرانی کردند.

کنستانتین چرنکو در سخنرانی خود از دوستی خلل ناپذیر دو خلق که از سال های جنگ جهانی دوم و تجاوز امپریالیسم آمریکا به کره ادامه دارد قدردانی کرد. وی گفت: مناسبات برادرانه میان دو کشور در حین ساختمان نظم نوین سوسیالیستی همواره گسترش پیدا کرده و همکاری های دو کشور برای استفاده از امکانات طرفین ژرف تر گشته است. کنستانتین چرنکو گفت: همکاری میان دو کشور نه تنها در عرصه های اقتصادی می تواند بازم گسترش یابد، بلکه مبادله تجارت در کار حزبی و دولتی و همکاری در فعالیت های بین المللی نیز می تواند از اهمیت روزافزونی برخوردار گردد.

کیم ایل سونگ در سخنرانی خود گفت: دوستی میان اتحاد شوروی و کره بر بنیان های مناسبات طبقاتی و همبستگی استوار است و ریشه های ژرف تاریخی دارد. کمونیست ها و خلق های دو کشور زیر درفش مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری سالهاست که علیه تجاوز امپریالیستی و ستم استعماری یا یاری رساندن به یکدیگر مبارزه می کنند و برای پیروزی امر کبیر سوسیالیسم و کمونیسم، همکاری های تنگاتنگی با یکدیگر دارند. امروز نیز خلق اتحاد شوروی به جمهوری دمکراتیک خلق کره در مبارزه برای ساختمان

سوسیالیسم و اتحاد مسالمت آمیز و مستقل میهن کمک برادرانه می رساند. کیم ایل سونگ تأکید کرد که خلق کره از این کمک عمیقاً سپاسگزار است.

کیم ایل سونگ گفت: مسئله جلوگیری از خطر جنگ جهانی جدید و حفظ صلح برای بشریت امر خطیری است. حزب کمونیست و خلق اتحاد شوروی قاطعانه علیه سیاست امپریالیستی تجاوز و ماجراجویی برای دامن زدن به یک جنگ جدید به خاطر حفظ صلح و امنیت در اروپا و در تمام جهان مبارزه می کنند. کیم ایل سونگ بر پشتیبانی خلق و دولت کره بر اقدامات صلح دوستانه اتحاد شوروی تأکید کرد.

در مذاکرات میان رهبران دو کشور مسائل مختلف مورد علاقه آنان مورد بحث قرار گرفت و قراردادهایی مبنی بر گسترش و ژرف تر ساختن همکاری های دو کشور منعقد شد.

کیم ایل سونگ پس از پایان دیدار رسمی خود از اتحاد شوروی، از جمهوری توده ای لهستان و جمهوری دمکراتیک آلمان نیز دیدن کرد.

نامه شخصیت های برجسته ترکیه به دولت

کمیته ای مرکب از پروفیسور ساوجه ، پروفیسور یاوز و رجال فرهنگی اسین افشار، بیلگسو ارئوس و عزیز نسین، نامه ای به امضای ۱۲۵۶ تن از هنرمندان، بازرگانان، دانشمندان و نمایندگان اتحادیه های آزاد کارگری تسلیم کنان اورن، رییس جمهور و نجم الدین قره درمان، رییس مجلس کبیر ملی ترکیه کردند. روزنامه "جمهوریت" این نامه را منتشر کرده است.

در این نامه خواسته شده است بازسازی دمکراتیک زندگی سیاسی و فرهنگی کشور انجام شود، آزادی قلم تأمین گردد و عفو عمومی برای همه زندانیان سیاسی اعلام شود.

تورگوت اوزال، نخست وزیر ترکیه، به هنگام کنفرانس مطبوعاتی ماهیانه خود تسلیم این نامه دسته جمعی را کاری بی موقع و عجولانه ارزیابی کرد! ولی این اقدام شجاعانه حاکی از آنست که رژیم دیکتاتوری نظامی وابسته به آمریکا، علی رقم آرایش ظاهری چهره خود، همچنان مورد نفرت خلق ترکیه است.

دگراندیشان به رسمیت نشناختند). سخن کوتاه!

مجلس اول در حالی به پایان کار خود رسید که نه تنها هیچ یک از مشکلات اقتصادی - اجتماعی توده های مردم حل نشده، بلکه بر اثر خیانت مجموعه حاکمیت و از جمله قوه مقننه آن به دستاورد های انقلاب، این مشکلات بیش از پیش تعمیق یافته است. بسیار پرمعناست که زهای قوم در سخنان خود، به مناسبت پایان مجلس اول و شروع مجلس جدید، حل مشکلاتی را سرلوحه فعالیت های مجلس آینده می دانند که در شروع مجلس اول نیز مطرح می کردند. این خود بزرگ ترین اعتراف به سیاهی کارنامه مجلس اول جمهوری اسلامی است.

مطبوعات ترکیه اعلام کرده اند فرماندار نظامی آنکارا قصد دارد امضا کنندگان نامه را تسلیف دادگاه کند زیرا گویا در متن نامه "مطالب غیر قانونی" وجود داشته است.

دیدار هیئت نمایندگی حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب کمونیست نوین اسپانیا

روز ۲۲ ماه مه، در مقر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسکو، دیداری بین نمایندگان حزب کمونیست نوین اسپانیا انجام گرفت. رفقا بوریس پونوماریف و وادیم زاگلاذین از جانب حزب کمونیست اتحاد شوروی و رفقا کالیگور، دبیر کل و آلن سوپیراول، اعضای هیأت اجراییه و دبیران حزب کمونیست اسپانیا، همچنین رامس، دبیرکل حزب کمونیست کاتالونی شرکت داشتند.

در این دیدار که در محیطی سرشار از روح رفاقت و وحدت نظر جریان یافت طرفین در باره مسائل روز بین المللی و جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و مناسبات متقابل میان حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب کمونیست نوین اسپانیا به تبادل نظر پرداختند.

نمایندگان کمونیست های اسپانیا پیرامون فعالیت حزب خود در جهت دفاع از منافع زحمتکشان و شرکت در جنبش ضد ناتوی و ضد جنگی به همراه دیگر نیروهای سیاسی و مبارزه به خاطر سیاست مستقل و صلح جویانه کشور خود توضیحاتی دادند.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در آمریکا (میانه) هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

RAHE TUDEH
No.94
Monday, 4 June 84

Address: **Winfried Schwarz**
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
	Italy	600	L.
France	Fr. U.S.A.	50	Cts.
Austria	Sch. Sweden	3	Skr.

کارنامه بی افتخار و ضد...

بقیه از صفحه ۱۰
احزاب و گروه ها عملاً عملکرد احزاب و سازمان های غیرحکومتی و به ویژه نیروهای دگراندیش را غیرممکن می ساخت و قانون "بازسازی نیروی انسانی" که قاعدتا می بایست برای تصفیه دستگاه دولتی و اداری از بازماندگان رژیم شاهنشاهی تدوین می شد، تقریباً عین قانون سیاه ضد کمونیستی (۱۳۰) رضاخانی به مرحله اجرا درآمد. مطابق این قانون به مانند کشورهای فاشیستی آلمان هیتلری و ایتالیای موسولینی، فعالیت دگراندیشان در دستگاه دولتی غیرممکن است (البته بعد از مدتی حق زندگی را نیز برای